

آمریکادرایران چگونه دولتی میخواهد؟

میکنند که یک دولت مستقل مسلمان مستقل را مسلط بر ایران بینند. (میزان، شماره سوم اسفند ۵۹) در واقع نیز دولت آمریکا در شرایط کنونی دولتی را میخواهد بر ایران مسلط کند و مسلط بینند که چگونه کلوز، آمریکا را در حمایت از رژیم طاغوتی قیام در صحنه ۷

آقای مهندس یازدگان شایسته سابقه دار و سخنگوی شماره یک یوزروازی لیرال ایران- به این پرسش، با نوشته پاسخ داده، و با پاسخ خود، کار مسا را در توضیح یکی از دوخط عمده آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که خط صحن انقلابی و بازگشت از «بهره» است، آسانتر کرده است. متشکریم.

آقای مهندس یازدگان شایسته سابقه دار و سخنگوی شماره یک یوزروازی لیرال ایران- به این پرسش، با نوشته پاسخ داده، و با پاسخ خود، کار مسا را در توضیح یکی از دوخط عمده آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که خط صحن انقلابی و بازگشت از «بهره» است، آسانتر کرده است. متشکریم.

حزب توده ایران آماده بحث و گفتگو با رئیس جمهور است

روز یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۹، آقای ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور اعلام کرد که آماده است با نمایندگان احزاب و گروهها درباره یکسلسله مسائل - که در هفت ماده ذکر شده به بحث و گفتگو بنشینند و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ترتیب ضبط و پخش این سلسله بحثها را بدهد. حزب توده ایران که تاکنون چندین بار آمادگی خود را با چنین بحث و گفتگویی با آقای رئیس جمهور اعلام کرده است، ضمن ابراز خوشحالی از آمادگی آقای رئیس جمهور برای بحث و گفتگو با نمایندگان احزاب و گروهها، در پاسخ دعوت آقای رئیس جمهور، باردیگر آمادگی خود را برای بحث و گفتگو با رئیس جمهور درباره تمام مسائل سیاست داخلی، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی جامعه ما، زیر هر عنوانی که رئیس جمهور پیشنهاد کند، اعلام میدارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۹۹
دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با ۹ جمادی الاول ۱۳۶۰ - ۱۵۰ ریال

مجاهدین خلق در لبه پر نگاه (۲)

ریشه های چپ روی در سیاست «مجاهدین خلق»

مصحات ۴ و ۵

افتادن در دام امپریالیسم خبری تا کی؟!

برای اولین بار در تاریخ حمل و نقل راه آهن ایران و شوروی میزان ترخیص و حمل کالا از گمرک جلفا به ۴ برابر افزایش یافت

روزنامه کیهان (۵۹/۱۲/۲۴) خبر میدهد:

«برای اولین بار در تاریخ حمل و نقل بین المللی راه آهن ایران و شوروی دو خط میانه به خط افزایش یافت. رضا حداد عامل مسئول هیات انترامی از سوی نخست وزیر به جلفا ضمن اعلام این خبر افزود: بازگویی حمل کالا از گمرک جلفا روزانه از ۲۳۰ کامیون به ۸۴۰ کامیون رسیده است.»

به گزارش خبرنگار کیهان: «خدمات غربی ستاد هیات انترامی نخست وزیر در امر ترخیص و تخلیه و بارگیری کالا از گمرک پس از ۴۵ روز تلاش شبانه روزی به نتیجه بسیار مثبت رسید و کلواک اقتصادی این مرکز ورود کلاهی بزرگ به کشور باز شد.»

بر اساس این گزارش از جمله اقدامات مؤثر و انقلابی این ستاد حمل و نقل، احداث و افتتاح و بهره گیری از مخزن گازتیل یک میلیون لیتری با ظرفیت ۵۰۰ تن است. همچنین هم بنزین مخزن روغن ۳۷ هزار لیتری است. حداد عامل مسئول هیات انترامی گفت: «این کار بعدی انقلابی بود که دو میادله را به چهار میادله رساندیم، که در تاریخ حمل و نقل راه آهن ایران و شوروی بیسابقه بوده است.»

است، در مورد ارسال سلاح دچار مشکلاتی شده است. «خبرالله تاکید کرد که عراق بوجهی مسدود شدن ارسال تسلیحات شوروی ... قادر خواهد بود تا نیاز سلاحهای ساخت شوروی را از منابع دوستان دیگری رفع کند. براساس این گزارش، بنظر میرسد اشاره خبرالله به کشورهایی بلوک سوسیالیست باشد. مطبوعات غربی گزارش داده اند سلاح و لوازم یدکی شوروی، از طریق کشورهای میان و شرق راه خود را به عراق پیدا میکنند.

«از خبرالله پرسیدند چرا عراق و شوروی از اظهار نظر در مورد گزارش مطبوعات غربی پیرامون ارسال صد تانک ساخت شوروی از طریق عربستان سعودی که دشمن روسیه بشمار میروند خودداری کرده اند. وی در پاسخ گفت باید این گزارش برخلاف مصالح شوروی و دوستان عربستان سعودی و تأیید آن برخلاف حقیقت است، پس در این مورد اظهار نظر نمی کنیم.

چنانکه معلوم است، اعتراض نمیکند شده در بحث نخست خبر، باتوجهی چنان با اظهار نظرهای سرایا کذب بعدی آمیخته شده است، تا از تأثیر اعتراض سرخ نخستین ذهن خواننده، حتی القدر کاسته شود و ابهام در موضوع بجای سراحت و روشنی اعتراض مقام عراقی بنشیند. در اینجا مثالهای بیشماری پیش می آید، که فقط به طرح چند نمونه از آنها، بسنده می کنیم:

۱- آیا تنظیم کنندگان خبر مزبور در «انقلاب اسلامی» به تناقضات فراوانی که حتی در خود خبر مندرج در این روزنامه پوشوح نمایان است، بر نبرده اند؟

۲- آیا عبارت «منابع دوستان دیگر» اشاره به کمک تسلیحاتی سادات و دیگر مرتجعین عرب نیست؟

۳- مگر مقامات رسمی اتحاد شوروی جلیات «امپریالیسم خبری» را درباره باصطلاح واگذاری سلاح به عراق پس از جنگ تحمیلی داروسته صد ماجین علیه ایران بارها تکذیب نکرده اند؟

۴- مگر مقامات نبدنایا به رسمی ایران، از جمله آقای رئیس جمهور، چندین بار قطع واگذاری سلاح را به عراق پس از آغاز جنگ تحمیلی تأیید نکرده اند؟

۵- مگر «خبر» «ارسال ۱۰۰ تانک شوروی از راه عربستان» از سوی مقامات شوروی تکذیب نشده تا بار این مفهوم اینکه «بر خلاف مصالح شوروی» است که در اینباره «اظهار نظر» کند، چیست؟ (نامه مردم) در شماره ۴۳۸ ماهیت واقعی این خبر امپریالیسم ساخته را شکافت.

آیا «آب و تاب و اظهار نظرهای بعدی اضافه شده به خبر، قیام در صحنه ۲

وزیر دفاع عراق اعلام کرد که از آغاز جنگ ارسال اسلحه شوروی به عراق قطع شده است، ولی امپریالیسم خبری می گوشت این اعتراض صریح را لوٹ کند.

وزیر دفاع عراق طی یک مصاحبه با نشریه الحوادث (بیروت) صریحاً اعتراف کرد که از آغاز جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران، اتحاد شوروی ارسال اسلحه به عراق را قطع کرده است. امپریالیسم خبری ضمن مخایره این خبر، باردیگر بشیوه معمول خود، تلاش کرد تا دروغهایی به آن بیفزاید و اعتراف صریح را کتک و میهم سازد و بدین طریق به ذهن شنونده و یا خواننده «القاعه» کند که شوروی همچنان به عراق اسلحه می فرستد!

تشریحات لیرالی در ایران، طبق معمول از این شکر در امپریالیسم خبری یا خشودی استقبال کردند و چون «انقلاب اسلامی» آنرا یا برجستگی در صفحه نخست خود منتشر ساختند - که این طبیعی است. اما متأسفانه باز هم پس از ۲ سال تجربه تلخ، برخی مطبوعات متحد بیرو خیل امام، چون «اطلاعات»، نیز در دام توطئه افتادند و یکباردیگر آزموده را آزمودند - که تغییر طبیعی و تاسفبار است.

خبر چنین بود:

«خبرگزاری آسوشینتدپرس» در روز ۲۲ اسفند ۵۹ خبر داده که عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، در مصاحبه ای با نشریه «الحوادث» گفته است (به نقل از صدای آمریکا) - ۲۲ اسفند ۱۳۵۹):

«از شش ماه پیش، که جنگ ایران و عراق آغاز شد، دولت متبوع وی هیچگونه تسلیحاتی از شوروی دریافت نکرده است. گزارش مجله عربی زبان «الحوادث» چاپ لندن، نقل از وزیر دفاع عراق حاکیست، که رژیم منح ارسال تسلیحات به عراق از جانب مسکو، عراق یا هیچگونه مشکلاتی برای بلست آوردن تسلیحات از منابع دیگر روبرو نشده است.»

اما بخشی از این خبری که «انقلاب اسلامی» در شماره مورخ ۲۳ اسفند در صفحه اول منتشر کرده، چنین است:

«بیروت - خبرگزاری آسوشینتدپرس - نشریه الحوادث نقل از ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق نوشت شوروی پس از آغاز جنگ از فروشی مستقیم تسلیحات نظامی به بغداد خودداری کرده است و اگر لازم شود عراق از آمریکا تقاضای تسلیحات نظامی خواهد کرد.»

«خبرالله در این مصاحبه که اخیراً در بغداد انجام شده، گفت، ما بدنبال آغاز جنگ حتی یکسنگ از شوروی دریافت نکرده ایم. وی افزود از آنجائیکه عراق برای دریافت تسلیحات متکی به شوروی

در صفحات بعد

کارگران صنعت نفت علیه دشمن متجاوز میوزمند

قانون کار باید عموم کارگران را به یکسان دربر بگیرد

مقاومت خلق بولیوی علیه رژیم فاشیستی نظامیان افزایش مییابد

عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر

بر اساس اطلاعات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

تعداد زیادی از تجاوزگران صدامی در جبهه های غرب و جنوب به هلاکت رسیدند

نبرد تیرهای زمزمه ایران با ارتش متجاوز صدام در جبهه های غرب و جنوب در روزهای ۲۳ و ۲۴ اسفند همچنان ادامه داشت. در اطلاعات شماره ۴۳۰ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، که اختصاص به این عملیات دارد، از جمله آمده است:

در جبهه های آذربایجان و خوزین خسارت دو تانک، پنج ساختمان دیدهبانی و مراکز جمع، تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن، یک بولدوزر، یک تیربار قیام در صحنه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دست حقیقت از همه دستها بلندتر است

صف انقلاب و ضد انقلاب هر روز آشکارتر می شود

بلید خویش جز توطئه سازی راهی ندارند. در عین حال اینهم طبیعی است که آنها از هیچ چیز باندازه انشای چهره توطئه گران وحشت نداشته باشند و در کتمان آن نکوشند.

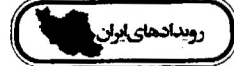
این شکر دراپس از حوادث امجدیه و دانشگاه تهران نیز بوضوح می توان دید. در این حوادث لیرالها پسران ساوا کپیاء مائوئیستهای آمریکائی و ضد انقلاب سازمان یافته، با همیازی ناآگاهانه ولی متأسفانه فعالانه مجاهدین خلق (در میتنگ دانشگاه تهران)، به تحریک دست زنده، درگیری و تشنج ساختند و آنگاه که این حسودات بعنوان توطئه های علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محکوم شد، کوشیدند تا پای حزب توده ایران و نهادهای انقلابی را نیز در این توطئه وارد سازند و حزب توده ایران راه که همواره هرگونه تحریک، حادثه سازی و تشنج را محکوم کرده و خود پیش از همه از حماقتاری رنج برده است، همافزاره را نمود کنند. آنها در امجدیه - که تودمهای طبقه دستور سازمانی از شرکت در آن منع شده بود - دستشمار میدادند تودمهای همافزاره، پیوندان مبارک و بجهای «مرگ بر آمریکا» که شمار انقلاب ایران است، همافزارگان، یعنی همگسیر تودمهای را تکرار میکردند؛ پس از وقایع دانشگاه نیز آنها در تشریفات خود چون همیزان تلاش کردند تا تودمهای با حق را شریک و سیم در توطئه ضد انقلابی وانمود کنند...

آنها در صورت موقت، بایک تیر دو تنان زمانند: از یکطرف به اجرای توطئه هتم امپریالیسم آمریکا کمک کرده و با ایجاد ناآرامی و ناامنی، قانونی اعتبار و تودمهای مردم را ناراضی کرده اند و از طرف دیگر اظهارا بجانب توطئه گران موهم متوجه ساخته، خود و دوستان خود را از زیر ضربه خراج نموده اند. در میان مردم دستوئین سردرگمی پدید آورده اند و نیروهای را که در یکجبهه علیه توطئه های آنان قرار دارند، علیه یکدیگر تحریک کرده اند.

این توطئه، اکنون آشکارابه شکست و رسوائی انجامیده است. تلاش ضدانقلاب، لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که اکنون همگان آنها را بعنوان محرکین

یکی از مهترین پایه های کارزار دوعبرآکی لیرالهای بیرو خط برژنسکی را طی دو سال گذشته، ایجاد سردرگمی نسبت به ماهیت توطئه گریزگرگ، یعنی امپریالیسم آمریکا و توطئه گران کوچک، یعنی ضد - انقلاب، لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی تشکیل میداده است. در تمام طول دو سال گذشته که در تمام طول دو سال گذشته و متحدان داخلی آن، با تمام نیرو به تدارک توطئه های گوناگون برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران مشغول بودند، کودتای تیب میدادند، تجاوز نظامی میگردند، عراق را علیه ایران تحریک میکردند و تشنج و درگیری و ناامنی پدید می آوردند. تشریفات بیروان خط برژنسکی و مجالس ضدانقلابی، لیرالی و مائوئیستی، پیوسته جنجالهای بیخ و بی محتوا، ولی پرسر و صدا و گنج کننده علیه دوستان انقلاب ایران و نیروهای انقلابی پشتیبان انقلاب، برپا میکردند. آنها در اوج توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن، به اتحاد شوروی و به حزب توده ایران اشاره میکردند و از خطر موهم کمونیسم و خطر موهم شوروی فغان و فریاد بر میداشتند. آنها کرد و خاک بیا میکردند و در چشم مردم می نشاندند تا دشمن اصلی دیده نشود. امپریالیسم آمریکا و وابستگان آن را که دشمن انقلاب ایران اند، با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز کشورهای انقلابی مسلمان چون لیبی و الجزایر و سوریه و فلسطین - که دوست انقلاب ما هستند - یا هم مخلوط میکردند، تا امپریالیسم آمریکا از آماج اصلی خارج شود. گروهکهای ضدانقلابی و آمریکائی، مائوئیستی را با حزب توده ایران، دربر میزدند تا حزب تودم ایران را دشمن انقلاب وانمود سازند و برای خود دشریکه بترانند و...

در این کار تعجبی نیست. ضدانقلاب و لیرالهای متحد آن، که میخواهند جمهوری اسلامی ایران را به انهدام بکشند و دستاوردهای انقلاب را نابود کنند، آنها که میکوشند تا سلطه دوباره امپریالیسم آمریکا را بر کشور ما تثبیت کنند و روتوهای این آب و خاک را در ازای صاحب گوشه های از این جوان یشا، به امپریالیستها واگذارند، چاره ای جز توسل به تریور ندارند. آنها نمی توانند دور و دریا کار نباشند، زیرا میدانند که با چهره واقعی آنها، مردم جز با خشم و نفرت دوری نمیشوند. بنابراین با القاط خوش آب و رنگ و کلمات میان تهی، نیت واقعی خود را کتمان می کنند. آنها باید هم از حقیقت گریزان باشند و باید هم تلاش خود را روی دگر سازی حقیقت، متمرکز کنند. آنها برای حصول به مقصود



انفجار دفتر حزب توده ایران در آستارا توسط ضد انقلاب

عوامل ضدانقلاب در آستارا، روز جمعه ۲۲ اسفند ۵۹، یا در تاراب یک شب دستی به داخل دفتر حزب توده ایران در آستارا، آنها را به آتش کشیدند. در اثر این انفجار، که نیمه شب جمعه روی داد، خسارات زیادی به دفتر حزب توده ایران وارد آمد.

صدای انفجار این شب بیداری بود که ساکنین این منطقه را وحشتزده به بیرون از خانه ها کشاند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل ضدانقلابی، از مسئولین امر میخواهیم که سرپا به این قضیه رسیدگی کنند و بسا شناسائی عوامل این شب گذاری، آنها را تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

ریزش معدن «مهمان» شاهرود

بر اثر ریزش معدن «مهمان» دویزه تاهران که ۶ روز پیش روی داده، یک کارگر معدن کشته شد. در اثر این ریزش، ۴ کارگر دیگر نیز مجروح شدند، که حال دو تن آنان شدت وخیم است. از میزان خسارات وارده اطلاعی در دست نیست.

تقایص ایمنی سینماهای مشهد را بر طرف کنید

بدینال محاکمه تمهاده از سرمایه داران مشهد و مسکویت آنان، دادگاه انقلاب این شهر طی حکمی اموال این سرمایه داران، از جمله ۴ سینمای متعلق به آنان را، صادره کرد و اداره آن را به بنیاد مستقیمین سپرد. به دنبال صدور این حکم، ۲ سینما از این سینماها، که قلاب بملت گزارش کمیسیونی متشکل از نمایندگان اداره کار، آتش تسانی، شهرسازی و چند نماینده، بملت فقدان مسائل و اسکانات ایمنی بسته بودند، شروع بکار کردند.

با توجه به اینکه کمیسیون مذکور همچنان بر خطرناک بودن کار ایمن سینماها، در شرایطی که از خطر ایمنی دچار نواقص جدی هستند، تأکید دارد از مسئولین امر و بخصوص بنیاد مستقیمین می خواهیم که هر چه زودتر جهت رفع این نقایص اقدام کنند و مانع از بیروزی حوادث ناگوار در این اماکن شوند.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: کارگران از انقلاب دفاع میکنند و مستکبرین خونشان را میمکنند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلام، که به ریاست علی اکبر پرویش تشکیل شد، یکی از نمایندگان هنگام بحث در مورد لایحه مربوط به تأمین منافع کارگران تأکید کرد که «کارگران مهمترین سنگر مبارزه با امپریالیسم هستند» کلیات این لایحه در همین جلسه مورد تصویب قرار گرفت.

نخستین نطق قبل از دستور جلسه دیروز، عبدالله دهقانی، نماینده مردم اهر، بود که طی سخنانی به شهیدانی که جان خود را در راه پیروزی انقلاب و دفاع از آن فدا کرده اند، درود فرستاد. نطق بعدی قبل از دستور مجلس، بلا توفیق نماینده مردم یزد، طی سخنانی، از جلسه تأکید کرد که:

«مسلمانان جهان باید هر چه فریاد دارند، به سر استکبر جهانی، که در راس آن آمریکاست، بکشند»

پس از سخنان پیش از دستور نمایندگان، مجلس وارد دستور شد و ماده واحده افزایش ۲ تصربه به بند ۲ و ۳ لایحه قانونی تأمین منافع کارگران مشمول سیم شدن در سود کارخانه های صنعتی و تولیدی، توسط مخر «کمیسیون کار» قرائت شد.

مخر کمیسیون ضمن توضیحاتی در مورد این لایحه، از حساس بودن مسئله کار و کارگری در انقلاب ایران سخن گفت و تأکید کرد که باید با دقت بیشتری به این مسئله رسیدگی شود. سپس چند تن از نمایندگان به موافقت و مخالفت یا این لایحه سخن گفتند.

سپس میر محمد صلابی وزیر کار و امور اجتماعی توضیحاتی درباره این لایحه داد و از جمله گفت:

«دوست است که این لایحه اسلامی است و کارخانهای چیز دیگریست که باید با برنامه ریزی دقیق انجام شوند، لیکن برای حل مسائل فعلی یومی باید کاری انجام شود»

وزیر کار گفت: «برخلاف داد و فریادها، موضوع بسیار خوبی داریم. اکثریت قریب با تصویب کارگران، همانگونه که تاکنون بودماد، مدافع انقلاب هستند. کارگر در صف انقلاب است و این ضدانقلاب است که می گویند از ضعفی ما استفاده کنند»

وزیر کار همچنین تأکید کرد: «کارگران ما آماده جانفشانی در راه انقلاب و امام هستند»

وزیر کار، ضمن تأکید بر اینکه هنوز این مستقیمین هستند که با جان و مالشان از انقلاب دفاع می کنند، گفت:

«این مستکبرینند که پولها را بصورت اربز خرج می کنند و یا واسطه گیری و قبلی گیری حاصل کار کارگر را ببرد و خونشان را می مکند»

وزیر کار ضمن اشاره به توطئه سرمایه داران علیه انقلاب، از دولت خواست که بطور دقیق و جدی به انجام کارهای اساسی برای جلوگیری از این اعمال بپردازد. وزیر کار همچنین تأکید کرد:

«ما وظیفه داریم که برنامه ریزی کنیم. شما نیز از ما حمایت کنید تا این کارها سریع پیش برود»

پس از توضیحات وزیر کار، و اعلام کتایت مذاکران، کلیات لایحه به رای گذاشته شد و با اکثریت آراء نمایندگان به تصویب رسید.

آنگاه در حضور اعضای شورای نگهبان، جزئیات این لایحه مورد بررسی قرار گرفت و بدون تغییر به تصویب رسید. جلسه بعدی مجلس روز سه شنبه (فردا) تشکیل خواهد شد. در این جلسه طرح ملی شدن تجارت خارجی مطرح می شود.

تلاش ضد انقلاب برای تعطیل کشاندن مدارس چادگان

عوامل ضدانقلاب و گروهکهای ریز و درشت مائوئیستی و چپها در چادگان (از توابع فریدن استان) اخیرا با یاری لیرالها دست به توطئه جدیدی برای تعطیل کشاندن مدارس این شهر زده اند. متأسفانه هواداران سازمان مجاهدین خلق، نیز در اینکار شرکت دارند و بجای کمک به تجهیز دانش آموزان انقلابی مدارس در جهت خنثی ساختن این نقشه شیطانی، عملا در کنار دشمنان خلق قرار گرفته اند.

در همین زمینه باید ذکر کرد که این عوامل همچنین توطئه دیگری را نیز در چادگان به مورد اجرا گذارده اند. آنها شب هنگام به پاسداران انقلاب و جوانان انقلابی شهر، که همبای سپاهیان انقلاب به پاسداری از شهر می رانند، حمله ور می شوند و سپس این عمل ضدانقلابی را به حساب «کمونیستهای» می گذارند. ضدانقلاب به این ترفی س می کشند که نیروهای را که در یک جبهه علیه دشمنان و توطئه های امپریالیسم آمریکا برای پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن به نبرد مشغولند، از یکدیگر جدا سازد و زمینه را برای سرکوب تمامی آنان فراهم آورد»

توطئه تعطیل مدارس و نیز ایجاد تفرقه و جدایی مابین نیروهای انقلابی در شهر چادگان، زنگ خطر است که خیر از افزایش فعالیت های سازمان یافته ضدانقلاب در این منطقه می دهد. بر سپاه پاسداران انقلاب چادگان و سایر ارگانهای مسئول اجرای شهر است که با هوشیاری و قاطعانه با این قبیل توطئه ها به مقابله برخیزند و نقشه های ضدانقلاب را خنثی سازند.

افتادن در دام امپریالیسم...

پناه از صفحه ۱

بمنظور آن نبوده است که اعتراف سریع مقام عراقی را در ابتدای خبر، بشیرضلع ارسال اسلحه به عراق از جانب شوروی در ابتدای جنگ، بپوشانند و لوت کند و بیرون خط برژنسکی را، که زحمات فراوان برای نشر دعوای ارسال اسلحه شوروی به عراق، متحمل شده اند، از رسوائی برهاند؟

بر این سئوالها می توان بازم افزود.

بنظر ما تلاش تشریفات نظیر «انقلاب اسلامی» در نشر «آب و تابهای این چنینی» و اخبار ارسال اسلحه خیر گزاریهایی امپریالیستی، طبیعی است. روزنامه «انقلاب اسلامی» برای «تجارت» خود تلاش میکند. اما نشر این دعوها توسط تشریفات متعهد و بیرون خط امام متأسفانه هنوز بر عدم حیثیاری لازم دلالت میکند. این سئوال را تنها از آنها میتوان پرسید: تا کی باید در دام امپریالیسم خیری افتاد؟

کارگران «صنعت نفت» علیه دشمن متجاوز می‌رزمند

می‌رزمند

کارگران «صنعت نفت» ایران همیشه پرچمدار مبارزه و مقاومت بودند. این کارگران در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام بار دیگر ثابت کردند که از بیگترین و مقاومترین مبارزان راه استقلال و آزادی میهنمان هستند. اقدامهای دلاورانه این کارگران، نیرو-بخش تمام مبارزان میهن ماست. با شروع جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، کارگران «صنعت نفت» برای دفع تجاوز دشمن خود را آماده کردند. آنهاستاد آموزش نظامی تشکیل دادند و در سطح «صنعت نفت» اعلام بسیج کردند. در تمام طول جنگ، از تلمیح‌هایی که نفت مورد نیاز کشور را تامین می‌کرد، چون مردمک چشم حفاظت کردند و از هرگونه وقعه در کار این

در ستادهای مقاومت شرکت کردند. این زحمتکشان علاوه بر شرکت در ستادهای مقاومت، در پشت جبهه نیز کارهایی انجام دادند که از جمله آنها، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- کمک به استاندارد، جبهه باسازی مناطق ویران شده بر اثر بمباران هوایی دشمن،
- شرکت فعال در امپناهاگام سازی و سنگریزی در سطح شهر،
- راهاندازی مجدد واحدهای تولیدی،
- کمک به نهادهای انقلاب و حفظ دستاوردهای آن،
- حاضرند تا پای جان با خصمان انقلاب مبارزه کنند.

تلمیها جلوگیری بعمل آوردند. هنگام آغاز جنگ، ۸ دستگاه از دهکهای حفاری در مرز ایران و عراق مشغول حفاری بودند. در این زمان چنین به نظر می‌رسید که کارگران می‌بایستی در وهله اول جان خود را نجات دهند. ولی کارگران بر سرکار خود باقی ماندند و با همکاری یکدیگر جاهای در حال حفاری را ایمن کردند. اینم کردن چاهها مدتی طول کشید و در نتیجه متأسفانه ۱۷ نفر از کارکنان بدست نیروهای صدامی اسیر شدند.

همزمان با این مسئله، ستادهایی در اهواز و سایر شهرهای استان خوزستان توسط کارگران حفاری تشکیل شد. این ستادها از طریق مقامات مسئول کلیه امکانات خود را بسوی جبهه در اختیار رزمندگان قرار دادند. توسط این ستادها نیروی انسانی کارگران به شکل منظم سازمان یافتند. ای در اختیار جبهه و پشت جبهه قرار گرفت. کارگران بهما سازی و بهسازی محلههای عمومی و همچنین تعمیر ماشین آلات جنگی پرداختند. این کارگران، که از شروع انقلاب با تلاش خستگی ناپذیر در سرنگونی رژیم شاه ملعون و همچنین حفظ دستاوردهای انقلاب نقش بسزایی داشتند، تاکنون در جبهه‌های جنگ ایستاده‌اند.

کارگران بخش خصوصی نیز، با اینکه بر اثر جنگ بیکار شده‌اند و هیچگونه دستمزدی ندارند، فعالانه در امر مبارزه شرکت کرده‌اند. کارگران بخش خصوصی نیز، با اینکه بر اثر جنگ بیکار شده‌اند و هیچگونه دستمزدی ندارند، فعالانه در امر مبارزه شرکت کرده‌اند.

کارگران برق منطقه‌ای غرب کشور در انتظار فرمان امام خمینی برای اعزام به جبهه هستند

پس از تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما، در بین کارگران شرکت برق منطقه‌ای غرب کشور (کرمانشاه) شور و شوق قابل تحسینی برای شرکت در جنگ و دفاع از میهن انقلابی به چشم می‌خورد. این کارگران برای حفظ انقلاب فعالانه در کلاسهای بسیج برای فراگیری فنون نظامی شرکت کردند. همچنین منقذی خدمات‌های سال ۶۵ نیز با عزمی راسخ روانه جبهه جنگ شدند. در ارتباط با جنگ تحمیلی رژیم صدام با چندتن از کارگران برق کرمانشاه به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران گفت:

«با این جنگ تحمیلی می‌خواهستند طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

تولیدی، با کمک نهادهای انقلابی، استانداری و مقامات دولتی در تهران از جمله: راهاندازی گروه‌های جزیری، راهاندازی شرکت تیسسون و ملی ساختمان (جنرال مکنیک)، شرکت فعال در گروه‌های نه تفری تعاونی استاندارد، که موفقیت‌های چشمگیری در بعضی مناطق استان داشتند.

کارگران بخش خصوصی استان، که توده عظیمی را تشکیل می‌دهند، از دولت انقلابی خود انتظاراتی دارند. از جمله:

- (قانون کار جدیدی تدوین شود، که منافع آنها را در برگیرد.
- در مورد چگونگی پرداخت حقوق معوقه آنها (ماه‌های مهر، آبان، آذر، دی و بهمن) اقدامات انقلابی و اصولی در نظر گرفته شود.
- کارگران جنوب با اقدامات قهرمانانه خود ثابت کردند که حاضرند از انقلاب و دستاوردهای آن تا پای جان دفاع کنند. در قبال این همه فداکاری، مقامات دولتی نیز باید با راه‌های اصولی و منطقی، مشکلات موجود را تا حد ممکن حل کنند. به باری همه‌جانبه کارگران و دیگر زحمتکشان پشتگرم باشند و در تعمیم انقلاب و مقابله موثر و قاطع با ضد انقلاب، از جان و دل بکوشند: حقیقت این است که انقلاب، با داشتن چنین پشتیبانان بیگیر و پرتوان، نباید از هیچ دشمنی کمترین بیمی بخاطر راه دهد.

قانون کار باید عموم کارگران را به یکسان دربر بگیرد

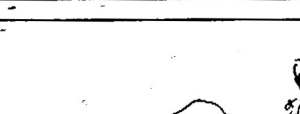
کارگران موقت نیروگاه‌ها هم منتظر قانون حقوق و مزایای قانونی می‌باشند

می‌کرد. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب، با اخراج رئیس خدمات سابق، جلو سوء استفاده گرفته شد. متأسفانه هنوز هم اصل مسئله، یعنی بکارگیری موقت کارگران ادامه دارد. کارگران موقت از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستند و حداکثر دستمزد روزانه آنها هشتصد ریال است. از این روزگاران ماهیانه مبلغ هفتاد ریال بابت حق بیمه کسر می‌شود، بدون اینکه این کارگران بیمه باشند. کارگران رسمی و مهندسی نیرو-گاه هر روز از غذای گرم، در ازای پرداخت پانزده ریال، استفاده می-کنند، در صورتیکه کارگران موقت از این حق بهره‌مند و باید مبلغ هفتاد ریال بابت ناهار بپردازند. کارگران رسمی از حق اولاد، حق دوری از مرکز، مزایای بیمه... بر-خوردارند، ولی کارگران موقت از این حقوق محرومند. این کارگران، پس از انقضای مدت ۷۵ روز، از کار اخراج میشوند.

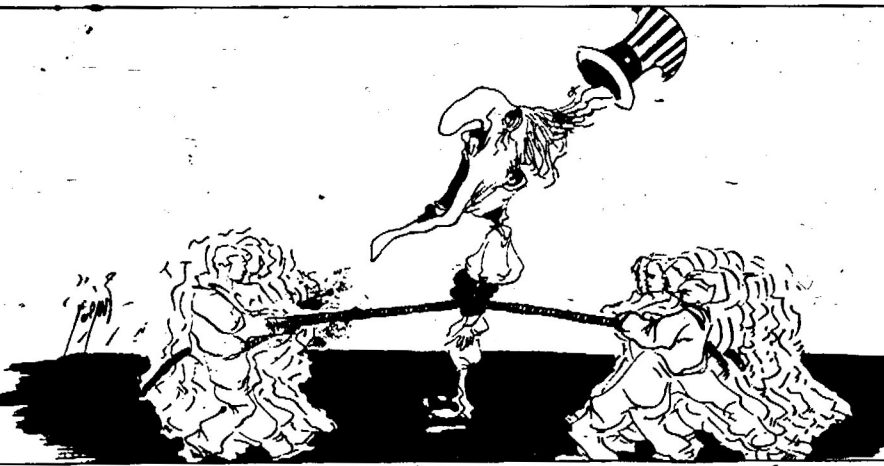
نیروگاه برق منتظر قائم (شهریار سابق) دارای چهار واحد برق صدو پنجاه مگاواتی است، که فعلا دو واحد آن در حال بهره‌برداری است. (بیک واحد آن بعلت انتقال روتور، توربین آن قبل از انقلاب به آمریکا فرستاده شده است، که هنوز آنرا بازساز ندادند و واحد دیگر آن بعلت تعمیرات قابل بهره‌برداری نیست). در این نیروگاه برق، علاوه بر کارکنان رسمی، کهدر استخدام «توانیر» یا شرکت تولید و انتقال انرژی هستند، عددهای کارگر هم بعنوان کارگر «موقت» یا «گارتی» مشغول کارند. بهتاز انقلاب شکوهمند مردم ایران، در نیروگاه برای انجام پارامی کارهای ضروری و نیز کارهای دیگری از قبیل: باغبانی، نظافت، کارهای ساختمانی و نیز کمک به تعمیرکاران قسمت‌های مختلف، تعدادی کارگر به کار گرفته می‌شدند. این کارگران توسط بخش خدمات نیروگاه برای مدت معین و محدودی، که حداکثر آن هفتاد و پنج روز است، بکارگمارده می‌شدند. البته این مسئله مورد سوء استفاده رئیس خدمات در زمان رژیم سابق قرار می‌گرفت، چون او علاوه بر گرفتن سلفی بعنوان حق یافتن کار، از کارگران، با سرهم‌بندی کردن لیستی، معایر بسیار عدداً واقعی کارگران بکارگرفته شده، سلفی نیز از امور مالی نیروگاه دریافت

شرکت مام‌سنگر، تا قبل از مصدرد مبلغ شصت میلیون ریال از اداره راه طلبکار بود، که این مبلغ هم هنگام مصدرد شرکت، مصدرد شد. شرکت مبلغ شصت میلیون ریال هم بعد از مصدرد، ضرر کرده‌است. حال صاحب قبلی شرکت با کمال گستاخی ادعای پانصد میلیون ریال خسارت کرده‌است. مسئولین امر باید شرکت مام‌سنگر را دوباره مصدرد کنند و با کساردن افراد با صلاحیت و مومن به انقلاب برای اداره شرکت، از این مرکز تولیدی جدا کرد تا استفاده را بعمل آورند.

شرکت «مام‌سنگر» در جاده مهر-مشکین شهر قرار دارد. این شرکت پس از مدت‌ها درگیری، در تاریخ ۵۹/۴/۲۰ مصدرد و در اختیار بنیاد مستضعفین گذارده شد. سپس چند نفر دانشجو برای اداره شرکت به کار گمارده شدند. این افراد از بدو ورود به کارگاه، بهیچانم های مختلف عددهای از کارگران را اخراج کردند. رفت و رفتند تا کارگران اخراجی به ۸۴ نفر بالغ شد. دانشجویانی که از طرف بنیاد به کارگمارده شده بودند، هیچگونه تجربه و شناختی نسبت به کار شرکت نداشتند و همین امر باعث شد که پس



از مدتی، شرکت را به صاحب اصلی اش واگذار کردند. در نتیجه، فعالیت‌های ماهه کارگران جهت ملی کردن شرکت، بدون نتیجه ماند.



شرکت «پرس ترانسپورت بار» را ملی کنید!

بطور چشمگیری به خارج از کشور ارسال می‌شود و گردانندگان شرکت سعی بر این دارند که از خارج اداره شرکت را در کنترل خویش داشته باشند. این شرکت یک شرکت چندملیتی است و بیشتر سهامداران آن از کشورهای امریالیستی خصوصاً آلمان فدرال هستند. بزرگترین سهام این شرکت متعلق است به سید مهدی کهنوسی، که در آذرماه ۵۷، از ترس انقلاب به فرانسه گریخت. دیگر سهامداران شرکت از جمله عبارتند از: لوتسن، ویدن مایسر، ولینگر و... کارکنان شرکت مدت‌ها است که در جهت ملی شدن آن اقدام کرده‌اند، ولی تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است. مسئولین امر باید در امر ملی شدن شرکت مادر و شرکت‌های جنسی آن بکوشند، تا کارکنان این شرکت با شوق و رغبت بیشتر به کار خود ادامه دهند.

شرکت حمل و نقل بین‌المللی «پرس ترانسپورت بار» اخیراً چندین شرکت مشابه چون «کان شیب» «تران-شیپ» «ترخیم کالا»، «ترانس کاننیتز» «تریمبال» و... را بصورت شرکت‌های جنسی تأسیس کرده است. هدف از تأسیس این شرکت‌ها روشن است: مطابق قانونی که از دوره طاغوت جا مانده‌است، شرکت‌های تازه تأسیس شده، تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف هستند. بنابراین حمل و بار توسط این شرکتها، سود هنگفتی در پی دارد. این شرکتها، که کارفرمای مشترک دارند، بدین ترتیب عمل می‌کنند که هرگاه مشتری برای انجام سفارش به شرکت جنسی مراجعه کند، آنها مثلاً برای حمل یک تن بار از او تقاضای هزارومد دلار می‌کنند. حال اگر مشتری به شرکت مادر مراجعه کند،

بشتر به کار خود ادامه دهند.

آقای مسعود رجوی از حزب توده ایران سند صداقت مطالبه می‌کند: نخست باید ثابت کنید که صداقت دارید، تا اجازه بحث با...

آیا «مجاهدین خلق» این حرفها را، که از دهان خودشان بیرون آمده، قبول دارند؟ آیا هنوز روند عمومی مهین ما را «یک مبارزه تمام...

«مجاهدین» از چپ‌روها و چپ‌ناها، که مصلان گری خود را برهان انقلابی بودن می‌شمرند، می‌خواهند که چشم به روی واقعات...

مجاهدین خلق در لبه ریشه‌های چپ در سیاست «مجاهدین خلق هیچ نیروی اسلامی دیگر را به مسلمانی راهم در ایران و جهان...»

برهیز از نوسان و به اصطلاح نان را بمنزله خوردن، استواری در نظرات دیروز و وفاداری به آن تا فردا... آیا این ملاک درباره خود آقای رجوی و سازمان ایشان هم...

«ماهیت جریان لانه جاسوسی، نمایشی نه منظور بیرون کردن امپریالیسم، بلکه دقیقاً بخاطر مات کردن و بیرون نمودن نیروهای دقیقاً ضد امپریالیستی از صحنه بود...»

چرا با... روها و چپ... است که از هر... سازمان... چپ‌روها... کزاران... علی... انقلاب... سازمان... و غزیدن... اما... واقعت... آنان... موتر... با اصول... است، چه... مارکسیست... که از گوش... بیشتر... یک جریان... تکذیب... البت... اما بطور... حالی می... انقلاب... راه رشد... و... ایران... مثل... دانند... ۲۱- برنامه... ۲۲- مجاد... ۲۳- و ۲۴

دیدگاههای دیروز و امروز «مجاهدین خلق»:

«مجاهدین خلق ایران به‌شکرانه این موهبت عظیم خدائی و خلقی، یعنی همان رزمهای مکتبی و مردمی بیروزی و وحدت که امام...

«مجاهدین خلق ایران ادامه تاریخی راه سردار جنگل را در حمایت هرچه بیشتر از مواضع قاطع ضد امپریالیستی - ضد امریکایی...

«اکنون بر تمام نیروها و جوانان انقلابی است تا با حداکثر آمادگی و جانپازی، مواضع قاطع آن حضرت (امام خمینی) را بی‌گیری...

«حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - پدروگرامی مان - اکنون که انقلاب رهایی بخش اسلامی و ضد امپریالیستی ایران در مسیر حقیقی...

«مدرس» آیت و سمنلی از روحانیت بیدار و مبارز ایران (بود) که خوشبختانه ما امروز آرمان ضد استعماری‌اش را در مواضع قاطع و اراده...

پشتیبانی ما از «خط امام خمینی» یک تصمیم مصلحتی و خلق الساعه نیست

هنوز سالی بر این باورها و نظرات نگذشته است، اما «مجاهدین» خود در محلی استفاده‌اند که چپ‌روهای شورشی و چپ‌ناهای آتش...

«مجاهدین» دیروز به چپ‌روها و به چپ‌ناها می‌گفتند: «از این شلوغ‌بازیهایی بی‌رویه و درهم‌ریختن اوضاع، به‌بهر عنوان...

«مجاهدین» به آنها که بخاطر سکوت در مسئله خونین کردستان «تهاجم و اسلحه‌کشیدن بی‌روی سیستم کنونی، جز به سود امپریالیسم...

- ۱- «مجاهد»، شماره ۱۰۹، ۱۴۰۹
۲- همان منبع، همانجا
۳- «سلام بر خلق»، سلام بر خمینی (اعلامیه سازمان مجاهدین خلق) ۵
۴- مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیریهای سیاسی «مجاهدین خلق ایران» (۲) ص ۱۵۳
۵- همان منبع، ص ۱۴۰
۶- همان منبع، ص ۱۲۶
۷- همان منبع، ص ۱۲۱
۸- همان منبع، ص ۱۵۶

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست

خود را
بی واقعات
بانههای
ز وضعیت
بمازگار
توجهی
نودهای -

حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد، بمنوبه خود پشتیبانی خواهد کرد. (۲۱)

این حرف اسامیل و پاراسال نیست و بهین دلیل چه چیز جز اعتقاد علمی ما می تواند منشاء آن باشد؟ رفتار امروز ما دقیقاً "تداوم و تیلور همین برنامه است. اما حتی با صرف نظر کردن از این شاهدزنده و دلیل موجه، می توانیم به آقای رجوی بگوئیم: اگر طبق برهان شما، اثبات حسن نیت و صداقت حزب توده ایران موقوف به آینده است، درباره خود شما، که از هم اکنون زیر حرفهای قبلیتان زدهاید، چه باید گفت؟ بی صداقت؟ بی حسن نیت؟ در یک کلام: ایپورتونیت؟ شمشیر اسلوب شما دولیه دارد. لبه آیندهاش احتمالاً "به فرق حزب توده ایران حواله شده است، اما لبه کنونیاش قطعاً "و حتماً

خلق در لبه پر نگاه (۲)

ای چپ روی «مجاهدین خلق»

مگر را به مسلمانی قبول ندارند، هیچ جریان مارکسیستی
روه چپ رو و چپ نما - مارکسیست نمی شناسند. آنها از فراز
اسلام و به مارکسیستها درس مارکسیسم لنینیسم می دهند.
چهارمشتائی دارند؟

بر تارک خود شما می نشینند. به روایت شکسپیر:
"آه، ای فریب خفته در گفتار..."

چرا آقای رجوی پروتاریای جهان را به پروتاریا بودن قبول ندارد؟

دعوی یگانگی جوهر سیاست کنونی "مجاهدین خلق" با چپ-
روها و چپ نماها، نیاز به اثبات ندارد. این بهتان نیست، حقیقتی
است که "مجاهدین" از فرط اعتقاد به آن، از افسران آن شرمگین
نیستند. وقتی آقای مسعود رجوی با لحن عصبی و خشم جانبداری،
که از هر کلامش فوراً می کند، به فدائیان اکثریت بپوش می برد کلام
"سازمان چریکهای فدایی خلق" را غصب کرده اند. وقتی در نقشیم
چپ روهای اقلیت، آنها را وارثان اصلی شهدای سازمان و پیمان -
گذاران انقلابی آن می شناسد، در واقع از خویش حمایت می کند.
آقای رجوی، با حاشای قانون مندی تکامل سازمانهای سیاسی مردمی،
علیه "اکثریت" که مضمم به دفاع از دستاوردهای ضد امپریالیستی
انقلاب است، تیغ می کشد که:

"من نمی دانم چرا و به چه دلیل منشعبین، بعنوان اکثریت
سازمان چریکهای فدایی نموده شده اند؟" (۲۲)
تجدت ناراحتی به حدی است که آشکارا کار را به دهن کجی کردن
و غرزدن به واقعیت کشانده است. وقتی واقعیت به میل من نیست،
بگذار تا سر به تنش نباشد. این جان کلام رهبر "مجاهدین" است.
اما ایشان چه خواهند، چه نخواهند، اکثریت است، واقعیت
واقعیت است، اقلیت، اقلیت است، و حرفهای ما هم تغییری در وضع
آنان نمی دهد. خوب، اگر تمامی کادر مرکزی و اکثریت سنگین مسئولان
موتر "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" بر گرد می جدیدی که
با اصول تقریباً تمامی احزاب جدی کارگری و کمونیستی جهان همسراه
است، جمع شده اند، به آنهائی که کلاً پیر و معتقد به ایدئولوژی
مارکسیستی - لنینیستی نیستند، چه ربطی دارد؟ آیا صلاحیت چنین
مدعیانی برای لقب دادن و لقب گرفتن از توده های سازمانی و هوادارانی
که از گوشت و پوست سازمانند و به مارکسیسم - لنینیسم باور دارند،
بیشتر است؟ آیا صلاحیت این مدعیان، برای ایپورتونیت خواندن
یک جریان مارکسیستی و انقلابی خواندن جریان دیگر، برای تأیید یا
تکذیب راه و پرسم پروتاریا، از پروتاریای جهان بیشتر است؟

البته آقای رجوی در نهایت فروتنی خواهد گفت: "بله!"
ایشان این "بله" شگفتی انگیز را البته رک و راست نمی گویند،
اما بطور ضمنی و در عین حال به گونه کاملاً "واضحی" آنرا به شما
حالی می کنند. چطور؟ خیلی ساده است. ایشان از موضع دادستان
انقلاب جهان، ادعائاً صادر می کنند که:
"راه رشد غیر سرمایه داری، که حزب توده تبلیغ می کند، یک نوع
راه رشد سرمایه داری است." (۲۳)

وقتی شما اعتراض می کنید که این نظریه اصولاً به حزب توده
ایران منحصر نیست، با تمسخر خواهید شنید:
"مجاهدین خلق به شهادت تمام نمونه های کشورهای زیر سلطه
مثل سوئالی، مصر و امثالهم، این راه را انحرافی و فرصت طلبانه -
دانند." (۲۴)

شما به طلب خلاف واقعی که آقای رجوی گفته و توقف راه غیر-
سرمایه داری را در سه چهار کشور بعنوان شکست تمام کشورهای که
این راه را طی می کنند، وانمود ساخته، اعتنا نمی کنید. شما همچنین
درباره ۱۶ کشور، که با بیش از ۱۵۰ میلیون نفوس، این راه انقلابی را
برگزیده اند، و مراحلی از آن را هم با موفقیت روزافزون پیموده اند و
می پیمایند، سخنی نمی گوئید. اما شما اعتراض می کنید که:
- بیش از ۸۰ حزب کارگری و کمونیستی و همچنین کشورهای
سوسیالیستی و نهضت های آزادی بخش ملی پای سند این نظریه امضا
گذاشته اند و صحت انقلابی آن را در شرایط عصر ما تأیید کرده اند.
کشورهای نظیر ویتنام، لاوس، کوبا و شوروی و آنگولا و موزامبیک،
از این جمله اند. آیا همه این تأیید کنندگان و تبلیغ کنندگان، "منحرف"
"فرصت طلب" و "ایپورتونیت" اند؟

آقای رجوی می گوید:
"ولی مجاهدین اصولاً این شیوه ها را در فاز نهائی تکامل ضد-
خلق امپریالیسم غیر ممکن می دانند..." و یاد هر نوع راه رشد
سرمایه داری (تحت هر نام) از راه رشدی که ما آن را راه رشد ضد-
استعماری توحیدی می نامیم، دفاع می کنند." (۲۵)

لازم توضیح نیست که "راه رشد ضد استعماری" همان انقلاب
سوسیالیستی است، در حالی که خواست انقلاب سوسیالیستی برای
کشوری در شرایط کنونی ما همان آرزوی غیر واقع بینانه ای است که
چپ روهای افراطی به دنبال آن می روند. اما با توضیحات گذشته این
مطلب روشن می شود که آقای رجوی پروتاریای جهان را به پروتاریا
بودن قبول ندارد. احزاب کمونیستی و کشورهای سوسیالیستی را در
انحراف و فرصت طلبی می بیند و معتقد است که عقل هیچ انقلابی و
سوسیالیستی در جهان به اندازه "ایشان قد نمی دهد که "راه رشد غیر
سرمایه داری در فاز نهائی تکامل ضد خلقی امپریالیسم غیر ممکن است!"
پروتاریای جهان به این ترتیب کارگران و خلق های کشورهای در حال
رشد را با افسوس و فریب به سلخ می کشد و زیر تیغ سرمایه جهانی
رها می کند. چه جنایت هولناکی!

وقتی ویتنام قهرمان، پروتاریای دوران ساز اکثر و کوبای انقلابی
دست رد آقای مسعود رجوی را بر سینه خود احساس می کنند، حزب
توده ایران و "فدائیان اکثریت" دیگر جای خود دارند. آقای رجوی
می تواند "فدائیان اکثریت" را، با وجود تأیید اکثریت، "غاصب" و
در داشتن عنوان "اکثریت"، ناحق بشمارد. حتی حق دارد از این
بیشتر برود و انشعاب "اقلیت" یک سازمان را از رسمیت بپندارد و
مدعی شود که "اکثریت" از سازمان انشعاب کرده، یعنی "اکثریت"؛
که از قضا تمامی کادر رهبری و انبوه مسئولان و امضا را در بر می گیرد
توسط اقلیت کوچکی کنار زده شده است! این درست حکم آن سلطان
مستبد فرانسه را دارد که وقتی مردم علیه او برخاستند، دستور انحلال
ملت را داد! تاریخ چه طنزها که ندارد!

آقای رجوی هنوز در خط چریکی است

اصراف و علاقه وافر آقای رجوی در دفاع از چپ روهای "اقلیت"
نقش و وظیفه یک وکیل تفسیری نیست. این تلاشی است برای بازی
دادن به آن جوهر انقلابی خرد بپزویی، که در درگاهای خود
ایشان سیلان دارد. خرد بپزویی، هر قدر هم با فرهنگ باشد، لااقل
در ته دلش در کمین پروتاریا است. از این دیدگاه، برخاسته آقای
رجوی علیه پروتاریای جهانی، سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران،
نظریه انقلابی راه رشد غیر سرمایه داری، که میوه جنبش جهانی
سوسیالیستی است، و هر آنچه اصل و نسب کارگری دارد، قابل فهم
است.

تشابه نظرات آقای مسعود رجوی درباره راه رشد غیر سرمایه-
داری با چپ روهای چپ نماها و مائوئیست های ورشکست شده، نه در
ذات آن، بلکه حتی در کلمه به کلمه، نمی تواند تصادفی باشد:
"چپ روهی می گویند: آنچه راه رشد غیر سرمایه داری خوانده
می شود، در واقع همان راه رشد سرمایه داری است. چپ نماها، که
انواع مائوئیست های نقابدار و بی نقاب (واژه آن جمله سازمان "پیگاری")
مظاهر جسم آتند، ادعا می کنند: راه رشد غیر سرمایه داری اختراع
روزیپونیت هاست، تا از این دهلیز طبقه کارگر را به کشتارگاه
بکشانند..." (۲۶)

صدای از صداهای این ارکستر بودن، سربازی از سربازان این
جبهه؟ آشوب و ناآشکبایی بودن است. با پروتاریا و انقلابی ترین
نیروهای جهان نبودن، با انقلاب نبودن است، و خصلیتی که از این
کوره راه متروک می رود، از همانجا سرد می آید که آقای مسعود رجوی
سرباز آورده است. ایشان امروز هم به آثار شیمس دورنمایی که، در
شرایط اختراع آریا موری، روشنگران جدا از توده و طبقه را به جنگ
تن به تن بی حاصلی کشاند و خون آنها را در میدان رزمی، کهنیرو-
هایش بطرز موحشی نامشاسب بودند، ریخت، می بالد.

آقای رجوی، به "فدائیان اکثریت" از آرتور جیب "ایپورتونیتیم
راست" می زند و عناوین سازمانی آنها را صادره می کند که، به زعم
ایشان، "سپاهکل" مرز تاریخی بین انقلابی بودن و ایپورتونیت
بودن است:
"از سپاهکل بعد، مگر نه اینست که اصولاً جوهر و مبنای حرکت
فدائی منجمده در مرزهای تاریخی استواری است که ما بین خود و
ایپورتونیتیم راست بنیاد ریخته بود، مشخص می شود." (۲۷)

با موازین آقای رجوی، تنها میراث دار واقعی "سپاهکل"، اشرف
دهقانی و چریکهای مسلح اوست، که هنوز قضاة تفنگهای "سپاهکل"
را در دست می فشارند و حتی توی رگهای ایشان بجای خون، باروت جاری
است. اما "سپاهکل"، که در نفس جادویی آن، حماسه شورانگیز
عاشقانی بود که خود را در رویاهایشان آتش زدند، در بعد سیاسی،
شیوه و آیینی را ارائه داد که، از لحاظ تاریخی، نزدیک به یک قرن

پیش منسوخ شده بود. لنین این واقعت کننده را توی صورت مدعیانی
می کوبید که چنان مسخور خوبند، که تاریخ و تجربه هایش را به بوز-
خند می گیرند:
"آثار شیمس محصول ناامیدی است. روحیه روشنگر بی سامان یا
سرگردان است. روحیه پروتاریا نیست." (۲۸)

و کوئی خطاب به چپ روهایی نظیر آقای رجوی است که یکی از
فرزانگان انقلابی زمانه ما می گوید:
"نظریه دیگری هم وجود دارد: "فرد انقلابی را حاجت نیست
که به وضع انقلابی ببیند، زیرا که انقلابی راستین خود آفریننده
وضع انقلابی است." اینست شرح یکی دیگر از بندهای پیچ - این نظریه
سرایا ذهنی، تمامی تجاری را که تاریخ گرد آورده، نقش عوامل عینی
روابط علت و معلولی و در آخرین تحلیل، نقش طبقه کارگر را نفی
می کند... تنبیه کاری های عظیمی را که این نظریات علیه جنبش انقلابی
برانگیخته و زیان هایی را که بار آورده، باید به حساب کسانی گذاشت
که از چنین سیاست محکوم به شکستی دفاع می کنند.

نظریات مزبور، از نقطه نظر معیار مبتنی بر واقعیت مبارزه
طبقاتی، که جریان آن همگام با قوانین واقعی جنبش نیروهای اصل
طبقاتی انجام می گیرد، حداقل دور از واقع بینی و نمودار بنداریابی
است. به همین سبب این نظریات بملکی غیر قابل قبول و بازتاب
تئوریهایی بیگانه - غیر پروتاریا، غیر انقلابی و نتیجه تاثیر ایدئولوژی
دشمنان هستند." (۲۹)

"ولونتاریسم" چپ روهی، فقط مانع ارتقا سطح آگاهی انقلابی -
ترین طبقه نیست، فقط بر خصالت طبقاتی جامعه سرمایه داری سربوش
نمی گذارد، بلکه پرشورترین عناصر مبارز را به سراب و بیراهه می کشد

و با کمترین اثر تلف می کند. اینست آن جوهر که آقای رجوی با سکوت
گذاشتن تجربه تاریخ سالیان اخیر و به ویژه درسهای غنی انقلاب
ایران از خود بروز می دهد. آقای رجوی، که هنوز غرق سوداها و
تخیلات چریکی است و آتش بازی قهرمانان گسیخته از خلق را در گیر
و دار مبلکه شیخون و ترور، بانک جرس انقلاب می بندارد، فراموش
می کند که مبارزه "ملحانه فردی او و دیگر رزمندگان، که تلاشی بود
برای برافروختن حریق انقلاب، وقتی که حریق عظیم در مقیاس خلق
و تاریخ فرا رسد، نتوانست در آن نقش برعهده بگیرد. "مجاهدین"
در روزهای قیام بهمین، که مردم مسلح در میدان بودند، تقریباً خیز
و ابتکاری نداشتند. چریکی که، در شرایط رکود جنبش، خواب انقلاب
می دید، در لحظه انقلاب، بیرون از سنگر، در خواب بود، و حد
اکثر، به کار شتابزده سازماندهی و جریان مافات اشتغال داشت. روز
سازماندهی و تدارک، در لوله تنگ خلاص شدن، تاگر بر دروزرسالت
تنگ، غرق سازماندهی و تدارک شدن را تحمل می کند. اینست آن
تجربهای که آقای رجوی به حاشای آن برخاسته و بجای آموختن از آن،
برای دفن کردنش، بر سر "فدائیان اکثریت" فریاد می زند:
"اینکه نمی شود هر کسی از سازمانی قهر کرد، بیاید و خودش را
تکامل یافته آن معرفی کند." (۳۰)

نه، آقای رجوی، نمی شود. اما خود تکامل را هم، که یک جبر
و قانونمندی و دلیل سلامت و بقاست، نمی توان منکر شد.

هدف این سیر و گشت، نشان دادن جان مایه چپ روی در خوی
و خمیره "مجاهدین خلق" بود. در ورای عقاید مذهبی یا غیر مذهبی،
سرنجام این واقعیت سرخست طبقاتی و تعلقات و روحیات ناشی از آن
است که سخن می گوید. رگهای ناب چپ روی در سیاست و اصول
"مجاهدین"، محرک اصلی چرخش دوار انگیز امروز آنها نیست
دیروز، از این شاخه به آن شاخه پیریدن و دیگر نوسان های فلیلی آنها
است. تا وقتی حجم عظیم قشرهای متوسط در جامعه متراکم و در لاطم
است، بروز این روحیات، در این یا آن سازمان سیاسی خلقی، در
وجود این یا آن رهبر اجتماعی - البته به درجات مختلف - احتساب
نایدیر است. تعقیب دقیق رگها و ذخائر چپ روی در تاریخ
"مجاهدین خلق"، پیرونده یک سؤال ددیمی، اما همچنان مطرح را
رو می آورد:

آیا انشعاب بخش بزرگی از "سازمان مجاهدین خلق" در سال
۱۳۵۴ زیر بیرق چپ نمایی مارکسیستی، حادثهای بی ریشه و برسبیل
اتفاق بود؟
چرا کودتاگران به سهولت توانستند بر سازمان چیره شوند و
سکان رهبری و اهرم های موثر آن را قبضه کنند؟
زمینه عینی و ذهنی این چرخش به ظاهر صدوهشتاد درجه ای
کجا بود؟

واکنش، اشتراک موضع "مجاهدین خلق" با همان منشعبین
چپ نمای دیروز و "سازمای پیگاری" امروز، در ماهیت اساسی ترین
خطوط آنها، بر چه محلی قائم است؟

بر اساس شواهد پرشماری که اکنون در دسترس است، آیا نمی-
توان سیر "مجاهدین خلق" را بسوی آن دگر دیمی، در پیسی آن،
کودتای درون سازمانی، یک سیر طبیعی و قانونمند دانست؟ آیا دلایل
چنین یقینی بیشتر و محکم تر از خلاف آن نیست؟
و امروز...

درباره "امروز" "مجاهدین"، بگذار فردا حرف آخر را بزنند،
مجتانکه "امروز" تفاوت قطعی را در مورد "مجاهدین" سازمان
پیگاری" به ثبت رسانده است. شاید حرف فردا، به تلخی و تکیه دک
جرمی که درباره "دیروز کودتایی" "مجاهدین پیگاری" زده می شود،
نباشد. امید که به همت خود "مجاهدین" نباشد...

۲۷- "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹
۲۸- مجموعه آثار، ج ۵، ص ۲۲۷
۲۹- گرهال: "خصالت خلق مارکسیسم - لنینیسم"، ص ۱۴ و ۱۵
۳۰- "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹

۲۱- برنامه "حزب توده ایران"، بخش سوم، ص ۲۸
۲۲- "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹
۲۳ و ۲۴- "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۱۱

لیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر

یئگی قلعه‌ای ها، شرکت سهامی زراعی و مشکل پائین بودن سطح تولید زراعی روستا

روستای یئگی قلعه با ۱۳۰ خانوار در ۷ کیلومتری رزن همدان قرار دارد. از ۱۳۰ خانوار ساکن در روستا ۸۰ خانوار کتا ورزو بقیه خوش نشین هستند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. محصولات روستا را گندم، جو، نخود و سایر حبوبات تشکیل می‌دهند. در یئگی قلعه آب به وفور یافت می‌شود، لیکن به علت کمی زمین، محصولات آن در محل به فروش می‌رسند و قابل صدور به شهر و دیگر نقاط نیستند.

پیش از انقلاب، (اراضی روستا وسیله شرکت زراعی (تازه شهر) که در یک کیلومتری ده قرار دارد، کشت می‌شد. اهالی نیز از سهامداران شرکت مذکور بودند. شرکت سهامی زراعی چندساله در یئگی قلعه و روستاهای مجاورت کشت می‌کرد و در مقابل هر کیلو تریاک ۵۰۰ تومان به صاحب سهم می‌پرداخت. لیکن در حال حاضر (پس از انحلال شرکت) زمین ها در دست اهالی است. در اراضی نیز گندم و جو کشت می‌شود.

یئگی قلعه فاقد برق و درمانگاه است اهالی به هنگام بیماری در مجرایین و یا تازه شهر بروند. در این روستا دبستان ابتدایی وجود دارد و دانش آموزان راهنمایی به نظری باید به تازه شهر که در یک کیلومتری یئگی قلعه قرار دارد، بروند.

یئگی قلعه فاقد آب لوله کشی است و اهالی آب شامیدنی را از چشمه‌ها یا چاه‌ها می‌گیرند. در روستا حمام بهداشتی وجود دارد، که نصف هزینه آن بوسیله اهالی و نصف دیگر را دولت پرداخته است.

دو نفر از اهالی روستا در جبهه جنگ علیه متجاوزان مدعی هستند و روستائیان مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریستال کمک نقدی و مقدار قابل توجهی کمک غیرنقدی، از قبیل نان و سیب زمینی، به جبهه ارسال داشته‌اند. اراضی شرکت های سهامی زراعی، مطابق قانون اصلاحات، قابل تفکیک و تجدید مالکیت نیستند و این از جمله بخاطر وسایل و تاسیسات مدرنی است که در آنها وجود دارد. لذا هیئت های هفت نفری، ضمن اجرای قانون اصلاحات ارضی و تثبیت مالکیت دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بر آنها، باید دهقانان را در گروه‌های سازمان دهند و کار تعاونی و مشاع بر روی این اراضی را ترویج کنند.

علاوه بر اقدام فوق، چون اقتصاد یئگی قلعه به صورت اقتصاد بسته است و محصول تنها به قدر مصرف خود روستا تولید می‌شود این امر مانع افزایش تولید و ارتقاء سطح درآمد و رفاه روستائیان می‌گردد. لذا لازم است که دولت در صورت وجود اراضی قابل احیاء و وسایل و امکانات مدرن کتا ورزی را در اختیار دهقانان قرار دهد، تا با شرکت فعال آنان امر افزایش تولید و شکوفایی اقتصاد روستا تحقق یابد.

آنها با ایمان را سخ حمایت خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کنند.

روستای آهنگر کلابی شهر در ۸ کیلومتری قائم شهر واقع است و بیش از ۳۵۰ خانوار جمعیت دارد. حدود ۷۵ درصد زمین‌ها به طور سنتی و به کمک وسایل و ابزارهای دستی قدیمی و کتا و کشت برداشت می‌شوند. کمی آب و ناهمواری زمین سبب شده اند تا برنج کاری رونق چندانی نیابد. حدود ۲۰ درصد از زمین‌های زیر کشت به صورت باغ پرور آمده است.

از ۳۵۰ خانوار جمعیت روستا حدود ۵۰ خانوار از زمین کفا برخوردارند. عمده زیادی یا از کتا ورزی دست کشیده‌اند، یا به صورت روز مزد در شهرها کار می‌کنند و یا در فصل بهار جهت برنج کاری به روستا های دور دست میروند و زوری زمین اربابان روستا به صورت نصفه کاری به کشت و کار می‌پردازند. دهقانان تهیدست این روستا چشم به هیئت ۷ نفری واگذاری زمین دوخته‌اند. این زحمتکشان امیدوارند که زمین کافی به آنها واگذار شود، تا خود صاحب محصول کار خویش باشند و در سنگر تولید جهت خودکفائی و استقلال کشور سهم خود را ادا نمایند.

نباید گذاشت که کوهستانی بودن این مناطق باعث شود که دهقانان دست از کتا ورزی بکشند، ماکه این همه نیاز به تولید داخلی زراعی داریم، نباید اجازه دهیم که زمین‌های که در سال گذشته کشت گندم می‌شدند، حالا صورت باغی می‌شوند و بی مصرف بمانند. با واگذاری این زمین‌ها به دهقانان و در اختیار گذاشتن امکانات کافی تولید و سطح کردن زمین‌ها و آبیاری و بذر و کود و تعیین نوع کشت مناسب، می‌توان جلوی مهاجرت بی‌رویه دهقانان را به شهرها و روستا ها گرفت و زمینه رشد تولید و بهبود زندگی دهقانان را فراهم ساخت.

برداشت نشد. زمین آماده کشت بدون کشت ماند. قسمتی از این زمین، که سهم چند نفر از دهقانان بوده است، توسط جنگلیانی منطقه "اراضی ملی شده" اعلام گردید. اداره جنگلیانی چند نفر از دهقانان را به دادگاه انقلاب کتا شد. دادگاه این دهقانان را محکوم به پرداخت ۳۷۵۰ ریال جریمه کرد.

در حال حاضر در برابر مقامات مسئول، وظیفه پیگیری و حل اختلافات موجود و کار توضیحی و تشویق دهقانان به همکاری و تعاون قرار دارد.

روستای پرچینکه در ۱۹ کیلومتری قائم شهر، از محروم ترین روستاهای منطقه است. زمین های بزرگ این منطقه کوهستانی بطور عادلانه میان دهقانان تقسیم شده است. بیشتر اهالی این روستای ۴۰ خانواری (۱۸۰ نفر) دهقانان کم زمین و بی زمین تشکیل می‌دهند. آب و برق و آب آشامیدنی، بهداشت و حمام خبری نیست. چشمه آب آشامیدنی، که به همت جهاد سازندگی می‌باشد، کفاف نمی‌کند. کودکان روستا فقط تا کلاس چهارم می‌توانند در روستا درس بخوانند.

یکی از روستائیان به نام رستم می‌گفت:

"این خانه من است که دارد بر روی من می‌ریزد. الان مریض هستم و در اینجا هیچ خبری از درمانگاه نیست. تا حالا به علت بیماری چند نفر تلف شده‌اند و از دولت و جهاد سازندگی می‌خواهم که در اینجا درمانگاه درست کنند، چون در اینجا اگر کسی بیمار شود، هیچ امکانش و هیچ وسیله نقلیه‌ای نیست که به قائم شهر برود."

اهالی این روستا علاقه زیادی به درس خواندن دارند، ولی کلاس های بزرگسالان داخل نیست. آنها همچنین از سیاه انتظار دارند که هر چه زودتر به این روستا بیایند و به آنها آموزش نظامی بدهند، تا به جبهه بروند.

در روستاهای کلیج خیل، پرچینک و آهنگر کلابی شهر، از توابع قائم شهر، نبودن زمین کافی و آب زراعی موجب رکود کتا ورزی و مهاجرت روستائیان شده است. کتا ورزی در این روستاها با ابزار و آلات سنتی انجام می‌گیرد و بزرگ مالکی سنتی در این روستاها نیست. اهالی این روستاها مشکلات و کمبودهای دیگری نظیر: نبودن برق، آب حمام، درمانگاه و غیره دارند، که در انتظار رسیدگی مقامات مسئول هستند. با وضع این روستاها بیشتر آشنا شویم:

روستای کلیج خیل، ۴ کیلومتری شهر شیرگاه، حدود ۲۳۰ خانوار (۱۵۰۰ نفر) زندگی می‌کنند. زمین کم است و ولی قطعه زمینی، در حدود ۲۰ الی ۸۰ هکتار، بر اثر بی توجهی مالک آن که در زمان طاغوت سهم زیاد به دهقانان رواداشته بود، بلا تکلیف مانده است.

عده ای از دهقانان این روستا با مراجعه به هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در قائم شهر، خواستار واگذاری این اراضی به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شدند. هیئت ۷ نفری با این امر موافقت کرد و ضمن دادن رهنمودهای لازم به دهقانان، قرار شد که دهقانان زمین را به مدت یک سال با نظارت هیئت واگذاری زمین بطور مشاع کشت کنند و پس از برداشت محصول و انتخابات شورای ده زمین به دهقانان واگذار گردد.

با توقف بند "ج" واگردماندن فعالیت های هیئت های واگذاری زمین، دهقانان که می‌خواستند اقدام به کشت روی زمین مزبور کنند، در عمل به مشکلات جدی برخوردند. بعد از زخم زمین‌ها، که با همکاری صمیمانه جهاد سازندگی انجام گرفت، بیسن دهقانان اختلافاتی بروز کرد، که ناشی از شیوه تقسیم زمین بود. کار توضیحی و تبلیغی لازم نیز انجام گرفت. در نتیجه بخشی از هزینه شخم جهاد سازندگی

زارع بی زمین خود کشی کرد!

در ۳ شجرد ۸ کیلو متری شرق داران (از استان افغان) بیروندی بر اثر فشار مالک زمین خود کشی کرد.

مالک از ترس اینکه زمینش راهیست هفت نفری تقسیم کنند و از این بدهد، بیروندی (رعیتش را) را تهدید کرده بود که تا عید زمین را رها نکند و در اختیار مالک قرار دهد. مالک تهدید کرد که در صورت عدم تحویل زمین، وی را زیر چرخ های تراکتور "له" خواهد کرد.

بیروندی دهقان، که یک عمر در روی زمین کار کرده بود و موهایش زیر فشار کار سفید شده و ریخته بود، روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۲۹، از فرط نا راحتی خود را دارمی زند خود کشتی می‌کند.

بیروندی می‌گوید: "مهم است که مالک زمین و در واقع قاتل پدرش آشتی ناپذیر مبارزه کند و زمینی را که پدرش با خون دل آباد کرده، از چنگ مالک بیرون آورد و به آرزوی پدرش جامعه عمل بپوشاند. البته "گیهان" برای موفقیت در این کار به کمک و همکاری هیئت هفت نفری احتیاج دارد. نفعظا، که که گیهان ها، در سراسر کشور به فعال شدن هیئت ها و بر داشتن بندهای بند "ج" احتیاج دارند. فتوادل حاجنا بتکارند. دهقانان حامی انقلابند. بزرگ مالکی را برچینیم، تا حق به حق دار برسد و این همه خون ریخته شده بناحق هدر نرود."



بزرگ مالک با سرمایه دار وابسته: برای تو خویه! وطن تو گذاشتی توی یک کتفو می‌بری آمریکا! من چکار کنم؟! آهیمه «ده» و رمه و مزرعه را که همیشه گذاشت توی کیف؟!

تشریح پیام: حضور و تجاوز مالکین بزرگ است

تلاش‌های مذبحانم بردارند. در غیر این صورت با آنها بعنوان خدا انقلاب، با قاطعیت عمل خواهد شد.

در همین شماره این ستاد، از همه برادران و خواهران کتا ورز خواستار است برای اینکه بتوانند حق همه کتا ورزان را از زمینداران بزرگ و فتوادل‌ها بگیرند، اختلافات و درگیری‌های خود را در مورد زمین متوقف کنند.

این تشریح با عده ای از روستائیان و مردم محل، صاحب‌های کرده است. در این مسامحه، از جمله علم روستای "اسرم"، علی اکبر مجیدی، در پاسخ سوال: "به نظر شما مخالفین این طرح چمکسانی هستند؟" گفته است:

"مخالفین این طرح، همان فتوادل‌هایی می‌باشند که روستائیان بی‌زمین را تحت سلطه خود دارند، البته ساواکی‌ها و گروه‌های دیگر نیز به طرق مختلف سد راه می‌شوند.

یکی دیگر از کارگران زمین تیزی-گوید:

"اگر این طرح را، که مورد تأیید آیات عظام، منتظری، بهشتی و مشکینی است، پیاده کنند، خیلی خوبی می‌شود این طرح به نفع کشاورزان است.

بروشتی پیداست که مطالب این دو تشریح با زتاب خواست‌ها و نیازهای مردم زحمتکش و انقلابی منطقه خواهان تحکیم انقلاب و پیروزی خط امام است. امید است که با ادامه فعالیت در همین راه و در جهت شناساندن توطئه‌های دشمنان انقلاب و طرح لزوم اتحاد تمام روستاهای انقلابی در سطح استان برای خنثی کردن این توطئه‌ها، کلیه نیروهای انقلابی و از جمله نشریات مذکور بتوانند کام‌های هر چه بیشتی در امر دانش و تعقیب انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بردارند.

نیروهای انقلابی به روخط امام در استان مازندران تاکنون فعالیت‌های بسیاری در جهت منافع مردم منطقه و خصوصاً روستائیان زحمتکش استان داشته‌اند. این نیروها در ارایه روزنامه‌های محلی نیز هستند، که در آن مشکلات روستائیان و مردم، بخصوص در ارتباط با مسئله زمین و کشت، انعکاس می‌یابد.

از جمله این نشریات، دو نشریه "پیام مبارز" و "نشریه هیئت واگذاری زمین استان مازندران" هستند. برای اطلاع بیشتر از اوضاع منطقه و آشنایی با مشکلات روستائیان و نحوه کار هیئت های هفت نفری، مطالبی از این دو نشریه را نقل می‌کنیم:

در نشریه "پیام مبارز"، شماره ۱ گزارش شروخی در باره روستای "بابی-کلا" به چاپ رسیده است. در این گزارش ضمن معرفی عده ای از مالکان بزرگ منطقه، در باره بی‌شماره‌های بی‌وضع زندگی روستائیان آمده است:

"اکثر نا بسامانی‌ها و بی‌بختی‌های روستائیان معلول حضور و تجاوز مالکین بزرگ و به بیگاری و مزدوری گرفتن زارعین و زن و فرزندهای آنان می‌باشد. درست در همین رابطه است که اجرای سریع و دقیق طرح واگذاری زمین و تعدیل مالکیت بر زمین‌های زراعی، شرط ضروری دوام بقای نظام جمهوری اسلامی خواهد بود."

نشریه "هیئت واگذاری زمین استان مازندران"، نیز، در شماره خود، ضمن شرح دستگیری فردی بنام "موسی آبادی" توسط سپاه پاسداران، که از فتوادل‌های منطقه بود و در کار تشکیل شوراهای روستایی کارگشایی می‌کرده، آمده است:

"برای چندمین بار به کسانی که بخواهند در امر واگذاری زمین اخلاص کنند، اخطار می‌شود، دست از این

امام خمینی: مستضعفین باید بازور حق خود را بگیرند.

حمله به هوادار حزب توده ایران در کرمان

یکی از هواداران حزب توده ایران در کرمان، روز بیستم اسفندماه سال جاری، هنگام پختن اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره توطئه هتیم آمریکا، در بازار این شهر، مورد حمله شخص مشکوکی قرار گرفت. شخص حمله کننده در حالی که رفیق ما را مورد ضرب قرار می داد گفت:

تاگر دغه دیگر در اینجا پیدایت شود، با چاقو شکمت را پاره می کنم.

بعد از این واقعه، رفیق ما جهت شکایت به کمیته شهر مراجعه کرد. متأسفانه مسئولین کمیته نه تنها به اعتراض رفیق ما ترتیبی ندادند، بلکه وی را مدت بیست و چهار ساعت بازداشت و سپس آزاد کردند.

ما ضمن اعتراض شدید نسبت به اینگونه اعمال خودسرانه، از مقامات مسئول شهر کرمان می خواهیم که با توجه به شرایط حساس کشور و توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا، بسا هوشیاری کامل جلو اینگونه اعمال خودسرانه را بگیرند.

به مسئولین کمیته انقلاب کرمان نیز گوشزد می کنیم که نگذارید دست انقلابیون بسته و راه به روی ضدانقلاب باز باشد.

نمایشگاه پیروزی انقلاب در بافت کرمان

توسط اعضاء و هواداران حزب توده ایران در بافت کرمان، نمایشگاه عکس و مطلبی از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷

تعداد زیادی...

یک موضوع جنگ و ابزار مهمات استفاده می کرد، ۲ تنگ کتیبه سنگین یکصد و شش میلیتری مستقر در عرشه آن نیز منهدم شد.

در داخل خاک عراق از یازمادام شنه مواضع عراق در مناسق اهلرسانس، کوزین و الویجیتر آتش شدید توپخانه دلوران قرار گرفت. از میزان دقیق تلفات دشمن آمار دقیقی تهیه نشده است. همچنین تیر روز شنبه جان برکان هوایی تیروی زمین آتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) یک برج دیدمائی عراق را هدف قرار دادند که مراکز ضد هوایی این برج به کلی منهدم شد.

در جبهه های هوازی: با تبادل آتش توپخانه و سلاح های سنگین بین تیرهای دلور و مسا و ارتش صدام روز بیست و دوم اسفند ماه در تانک، یک انبار مهمات و تعداد قابل ملاحظه ای از پرسنل دشمن در جبهه های هوازی نابود شدند. در منطقه دزفول: در یکی از جبهه ها، مواضع ارتش صدام زیر آتش توپخانه قهرمانان ماقار گرفت و یک انبار مهمات، یک خودروی دشمن نابود و تعدادی از مجاورین عراق کشته و مجروح شدند.

در جبهه های غرب: در تبادل آتش توپخانه و سلاح های سنگین و خمپاره انداز بین دلوران و نیروهای صدام در جبهه شورشیان دو خمپاره انداز دشمن نابود شد و تعدادی از افراد ارتش صدام کشته شدند. در جبهه میروان نیز ۱۲ تن از افراد ارتش دشمن کشته شدند. در همین منطقه ۴ تن از سربازان ارتش صدام به تیرهای ایران پیوستند و خود را به پادگانهای میروان وسردشت معرفی و درخواست پناهندگی کردند. در منطقه رقیبه نیز ۴ درجه دار ارتش عراق به تیرهای جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدند که بیاد دارید.

را در ایران حفظ کند، بیجوجه و بیعنوان حاضر نیستند پروتکل مذاکرات با پرژنیسکی را فاش و منتشر کنند. البته آقای ریگان و شرکاء میتوانند آرزو و تلاش کنند که یک دولت معقول و معتدل و مایهرو با سیاست حفظ منافع حیاتی آمریکا در ایران بروی کار آید، آقایان لیرالیا نیز میتوانند آرزو و تلاش کنند که همان دولت با عنوان معقول و معتدل، برای پیشبرد همان سیاست بروی کار آید، ولی... آن ضرب المثل معروف را که بیاد دارید.

«جاما» هم؟!!

تعداداتمام گیری از مصدق را داشته ایم. ما که در روزگاران که «دیاران» دکتر مصدق برای آنکه به زندگی و کسب و کارشان لطمه نخورد، حتی از یردن نام دکتر مصدق امتناع داشتند، ستایشگر شخصیت سیاسی دکتر مصدق و مبارزه او علیه استعمارگران بودیم، چرا باید قصد انتقام گیری از دکتر مصدق را داشته باشیم؟ ما که حتی در دورانی که دکتر مصدق در تبعید تنها ماند و دیارانش یا ملاحظات حقیرانه فردی از اطرافش پراکنده شدند، از او دفاع کردیم و او را ستودیم، چرا باید یزکر انتقام از او باشیم؟ انتقام برای چه؟

جامه یخزاندگان خود اطمینان میدهد که: **مصلحتا شهرهائی که حاکی از مقایسه وضع ایران و شیلی می باشد، از حلقوم این داروست و ایست خراج شده است.**

داروست و ایست این که بازم تکرار اقترای امپریالیسم سلطنتی جاسوسی آن، تکرار ابطال «آریامیر» و سوارک دست نشانده آن است و اصلا شایسته جویا کونی نیست. و اگر جویا باید داده شود، این **جامه** است که باید جواب بدهد و بهتر بیندیشد که چرا با این ها همزبانی میکند.

اما در مورد شمار مربوطه مقایسه وضع ایران و شیلی - **جامه** اول باید ثابت کند که ما در آنجا حضور داشته ایم و بعد این یا آن شمار را به ما نسبت دهد. وقتی که اصل خانه پایتخت برآب است - زیرا ما در دانشگاه اصلا حضور نداشته ایم - فرع آن بطریق اولی خلاف حقیقت است.

جامه در بیانیه خود نه از نظر آمریکا سخن میگوید و نه توطئه های آنرا علیه انقلاب میزند، ولی به حزب توده ایران اقترای میزند. **جامه** فریاد «وای آزادی» برای چاقو زنی برداشته، ولی حتی یکبار هیچ قدرتی علیه حزب توده ایران را محکوم نکرده است. ولی این حزب توده ایران بود که است که به اشغال موقت **جامه** توسط چاقو زانان اعتراض کرده است. و این نشان میدهد که چه کسی برخورد واقعا اصولی به مسئله چاقو زنی را دارد.

جامه که با ارزیابی نادرست از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، از دوستان و دشمنان انقلاب، درستگیری سیاسی خود دچار انحراف است، یکجا میروید

ایران قرار دهد، تا بتواند از آن **جامه** مشهور توده - قتی را نتیجه گیری کند ولی این «کشف» و یا «ابداع» **جامه** است؟ نه! این تکرار اقترای «آریامیر» در مورد **جامه** ارتجاع سرخ و سیاه است تکرار اصطلاح «توده - قتی» ساخته مقرر قتی از عوامل سرشناس کودتای ۲۸ مرداد است. آیا **جامه** متوجه هست که علیه حزب توده ایران همزبان چه کسانی است؟

یزم شاه پلید و سوارک چاقو زانان، دارتجاع سرخ، حزب توده ایران بود و دارتجاع سیاه، مسلمانان مبارز انقلابی و رهبری **امام** خمینی. و اکنون **جامه** که مانند تمام لیرالها از پشتیبانی حزب توده ایران از خط ضد امپریالیستی و مردمی **امام** خمینی عمیقاً ناراضی است، یا یکبار یسردن اصطلاح پشتیبانان و ایسگرای یازماندگان کودتای ۲۸ مرداد، به مسلمانان مبارز و انقلابی اشاره دارد که گویا به همراه حزب توده ایران قصد اختلال در اجتماع ۱۴ اسفند را داشته اند!

جامه که خود در صف **جبهه ملی** و «نهضت آزادی» و «فرهنگ» و «یکپاره» قرار گرفته، ولی حزب توده ایران را در این صف نمیریند، بلکه در ستکری انکار مسلمانان انقلابی پیرو خط **امام** خمینی استوار میباید، حزبه اقترای را برای کوبیدن حزب توده ایران یکبار گرفته است. ولی ما که پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و مردمی **امام** خمینی را بر اساس شی اصولی و انقلابی خود انتخاب کرده ایم، از اینگونه حملات پاک فداوریم و پراه در دست خود بدون اعوجاج ادامه خواهیم داد.

ما در زمانی سیاست پشتیبانی از مسلمانان انقلابی پیرو خط **امام** خمینی را اعلام داشتیم که زشتی و فاجعاری سیاسی لیرالها همچون امروز بر ملا نبود، اما ما که یقین داشتیم بورژوازی لیرال توان هبائی با انقلاب را ندارد، در قیبه راه و امیدده و بسوی امپریالیسم تمز میروید از آن نیروی پشتیبانی کردیم که در مبارزه ضد امپریالیستی و اقدامات مردمی، مقابل لیرالها سنگر گرفته بود و این نیرو، مسلمانان انقلابی به رهبری **امام** خمینی بودند. امروز سیاست حزب ما بیش از پیش صحت خود را نشان داده است.

جامه ما را متهم کرده است که

مناسبت حوادث ۱۴ اسفند ۵۹ در دانشگاه تهران، **جامه** (جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران) بیانیه ای منتشر ساخته، که در روزنامه «انقلاب اسلامی» مورخ ۲۲ اسفند ۵۹، بیجا برسد است. در این بیانیه، **جامه** به روال لیرالها، خطر آلمسیکا - دشمن اصلی - و گروه های آمریکائی و ضد انقلابی را از یاد برده و بنام مبارزه با چاقو زنی، قلم خود را به چماق برای حمله به حزب توده ایران تبدیل کرده است. پشتوانه این حمله بی منطق، جز مشت ددوغ و چهل و تحریف نیست.

جامه حزب توده ایران را متهم ساخته است که در کنار «مستحبات همه جا حاضر» قصد اختلال در اجتماع ۱۴ اسفند را داشته و تصریح کرده است که: **یکبار دیگر اتحاد مشهور «توده - ملت» ولی با آگاهی مردم و حضورشان در صحنه، توطئه قتی برآب گردید.** نامه **مردم** در پاسخ به یکی از روزنامه ها، که ما را به «کثرتگری و روشنگری و پستی تراکت و شهر» در میتینگ ۱۴ اسفند ۵۹ متهم ساخته بود، نوشت:

چه در میتینگ ۷ اسفند امجدیه و چه در سخنرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بیجوجه شرکت نداشت و اعضاء آن دستور سازمانی داشته اند که در اینگونه مراسم حضور نداشتند.

نامه **مردم** تأکید کرد که: **تادم حضور تودمها در میتینگهای مزبور نه تنها از سیاست کلی و کاملاً شناخته شده حزب ما قتی میشود، بلکه - تکرار میکنم - در این موارد ما صراحتاً رهبریهائی سازمانی داشتیم که کسی از ما در امجدیه و در دانشگاه حاضر نشدند.**

اگر رهبری **جامه** با غرض و کینه و پیشداری با حزب توده ایران روبرو نشده، نیازی نداشت که این اقترای را چند روز پس از تکذیب صریح آن، بزبانی دیگر تکرار کند. **جامه** یا تکرار ددوغ میزورگ شرکت تودمها در مراسم ۱۴ اسفند ۵۹ دانشگاه تهران خواست صبری و کبری را جور سازد، «بازمانده های کودتای ۲۸ مرداد» را به همراه پشتیبانان و ایسگرای خود در کنار حزب توده

آمریکاداران...

بقیه از صفحه ۱

منهای شاه، ولی بهمان اندازه **مردم**! این دولت، که «منافع حیاتی» آمریکا اقتضا میکند که بر ایران سلطه شود، دولتی است از نوع دولت موقت، که آقای منسحق **بازرگان** یا همان خصوصیات آنرا توصیف کرده اند و هدفش را در برقراری مجدد مناسبات با آمریکا، متوازن این بار از زبان لکت و ریچارد هلمز (رئیس سابق شبکه دیازیبی کتیبه، یعنی شبکه کودتازاری و قتل و تسمیر در «سیا» که سپس به رئیس سیا ارتقاء مقام یافت و پس از آن برای تبدیل ایران به پایگاه توطئه و جاسوسی آمریکا در منطقه سفیر آمریکا «در دیور شاهنشاهی» شد) و نیز از زبان پروس لیکن (کاردار سفارت آمریکا در زمان دولت موقت)، به نقل از **صدای آمریکا** (برنامه روز یکشنبه ۱۰ اسفند ۵۹) ارائه دیم. ریچارد هلمز در روزنامه **واشنگتن** استاره، ضمن اشاره

به ملاقات محرمانه منسحق **بازرگان** و ابراهیم یزدی با پرژنیسکی در الجزایر، ملت ستور دولت موقت را «قرسی الرابون مذهب» از این امر دانسته است که: «**بازرگان** روابط ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی توسعه دهد. و پروس لیکن، کاردار سابق سفارت آمریکا، نیز در توضیح پیامدهای ملاقات الجزایر و سقوط دولت موقت، در پاسخ به خبرنگار **واشنگتن** پست گفته است که: «آنها (محافل بنیاد گرایان مذهبی) احساس می کردند که دولت موقت **بازرگان** اندیشه **بازرگان** به شیوه های گذشته را درس میرواند. قابل **بازرگان** در بررسی گوشه های آمریکا برای استقرار دوباره مناسباتی با ایران، از نظر عنصر تندرو غیر قابل قبول است. گرچه اظهارات این دو جاسوس کارکننده و آگاه از عملیات پشت پرده و «بازیبی کتیبه»، توضیح واضحی بیستی نیست، معذالک تأکیدی است بر اینکه، دولت معقول مسلمان مستقر، آذی منسحق **بازرگان** درسد و حفظ و حتی توسعه روابط با آمریکا و «اندیشه **بازرگان**» به شیوه های گذشته و اندرس میرواند است. یعنی درسد حفظ منافع حیاتی» آمریکا در ایران بوده است که امروز نیز، آقای منسحق **بازرگان** به صورت آن بعدی اعتقاد دارد که آنرا عنوان هدفی که دولت معقول مسلمان مستقر، باید تعقیب کند، تصریح میکند. با این اظهارات جدید ریچارد هلمز و پروس لیکن همچنین تماماً آشکار میشود که ملاقات محرمانه با پرژنیسکی در الجزایر هدفی جز جاسوسی راه «استقرار دوباره مناسباتی گذشته آمریکا» با ایران نداشته و بهین دلیل نیز بیشتر از گذشته معلوم می شود که، چرا آقایان سران دولت سابق معقول مسلمان مستقر، و آقایان خواستاران فعلی دولت معقول مسلمان مستقر، از نوعی که بتواند «منافع حیاتی» آمریکا

«پیشن» وانمود کند، شناسائی «خواه قانوه» یعنی ظاهری جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا را کنشش در رحمت بداند، با برقراری مجدد مناسبات گذشته با آمریکا، «منافع حیاتی» آمریکا را در غارت هست و نیست محافظ کند و «بر قدرت دیگر» مقابله کند و مجدداً ایران را به پایگاه نظامی و جاسوسی ضد شوروی بدل کند، با برقراری مجدد مناسبات گذشته با آمریکا و حفظ منافع حیاتی آمریکا و مقابله با «بر قدرت دیگر»، بگفته پرژنیسکی، «مستقل ایران را مانند گذشته (مانند دوران شاه) بهتر حفظ کند. این دولتی است، بگفته پرژنیسکی، «مستقل» و، بگفته ریگان، «معقول و معتدل و مایهرو» و به گفته منسحق **بازرگان**، «معقول و مسلمان (مانند سادات) و مستقل (مانند دولت معقول» زمان شاه» **مردم**

مقاومت خلق بولیوی علیه رژیم فاشیستی نظامیان افزایش می یابد

چند روز پیش کمیسیون سیاسی حزب کمونیست بولیوی در اظهاریه‌ای، به بررسی و تحلیل اوضاع سیاسی این کشور پس از کودتای ارتجاعی ۸ مرداد ۱۳۵۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۸۰) پرداخت. در زیربخشهای از این سند از نظر خوانندگان میگذرد: «بولیوی دوران دشواری را میگذراند. نظامیان مرتجع، برهبری لویس گارسیا مسا در سایه تانک، هواپیما و سرتیژه، پرکنش فرمانروایی میکنند. هزاران تن از مردم بولیوی بهلاک رسیده‌اند. یزندانان افتاده‌اند، شکنجه شده‌اند و یا مجبور به جلا وطن گردیده‌اند.

بهره چیست، در این زمینه، باید همچنین به مبارزه برای فعالیت قانونی سازمانهای سندیکایی و به توجه خاص میزول داشت.

وظایف آتی جنبش مقاومت

کودتای نظامی با سرعوت همه مردم بولیوی مرتبط است. از اینرو، همه احزاب سیاسی غیر-فاشیستی و سازمانهای خلقی وظیفه دارند تا بیکار خود را علیه نظامیان هاشکی و توان بخشند. در این گستره، باید به احیای «کمیته ملی دفاع از دموکراسی» (دکوانده) پرداخت.

این واقعیت، که فاشیست‌ها به اشغال و در برخی موارد حتی تخریب کلیساها پرداختند و به دشنامگویی، بیکرد و بازداشت عناصر مذهبی اسانندوسها دست زده‌اند، نشانه آنست که کلیسای متهمه، هدفهای دموکراتیک خلق بولیوی و خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی آنها پمنا به خواسته‌های حقه توده‌ها می‌شود.

البته سران مذهبی هم هستند که نه تنها از کودتا استقبال کردند، بلکه خویشتر را در خدمت رژیم نظامی نیز گذاشتند.

هدف مقاومت ملی متشکل، که از خلق نیرو میگیرد، سرنگونی رژیم گارسیا مسا است. لیکن دستیابی باین هدف تنها یکی از شرایط بنیادی بیرون رفت از بحران سیاسی کنونی است. تنها با برکناری این ژنرال و همدستانش نمیتوان تضاد سیاسی اساسی بولیوی را از میان برداشت.

وظایف کنونی «حزب»

حزب کمونیست باید با سازماندهی، هدف-پختی و سمتگیری مبارزات، نقش خود را، بعنوان پیشاهنگ بیروتاریا، ایفا کند. کافی نیست که تنها به اعلام نقش پیشاهنگ خود بپردازیم و مشی سیاسی دست بر گزینیم. کمونیست‌ها باید موتور مبارزه ضدفاشیستی و دموکراتیک توده‌ها باشند. از این رو به جزئی نیاز داریم که از توانایی سازمانی برخوردار باشند. این حزب باید بتواند بار سنگین کار سیاسی توده‌های راه، که پس از نابودی دیکتاتوری در برابر ما قرار خواهد گرفت، بدوش گیرد، به مبارزات توده‌ای مستگیری مناسب بپنشد و همه اشکال بیکار را گسترش دهد.

هنگامیکه به چنین جزئی یا چنین مشخصاتی بدل یافتیم و از سازمان جوانان آبدیده و متشکل برخوردار شدیم، میتوانیم با اطمینان به خلق خود بگوئیم که بار دیگر فاشیسم را در خواهیم شکست، حقوق یامال شده را باز خواهیم ستاند و نظامی دموکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی در مین خود پدید خواهیم آورد» (میان تیترا از نامه «مردم» است)

گامهای کودتاجان درجهت سرکوب سازمانهای دموکراتیک، تسلط بر رسانه‌های گروهی و نابودی بدون چون و چرای هرگونه مقاومت در ارتش بود. آنها از اینراه توانستند به ازباج و ختنی کردن بخش مهمی از مردم موفق شوند.

نیروهای خلق آمادگی کافی را برای رویارویی با کودتاجان کارگشته نداشتند. این آمادگی حتی هنگامیکه بخشی از نقشه کودتاجان فاش شده، پدید نیامد.

در این گستره، مسئولیت پس‌سنگینی متوجه «جبهه» و پیروزه حزب ما بود. ما توانستیم سیستم آذوقه‌رسانی مناسبی برای ادامه مقاومت ایجاد کنیم (محاصره اقتصادی معدنیان حریم موتوری در دست دشمن بود). اینک معلوم شده است که شمار اعتصاب همگانی در مبارزه با کودتاجان کافی نبود، نه تنها باین علت که دشمن تدابیر لازم را برای مقابله با آن تدارک دیده بود، بلکه همچنین باین دلیل که مردم را برای استفاده از اشکال موثر بیکار آماده نکرده بودیم. بنابراین، لازمست که از این تجربیات درس بگیریم و در ارزیابی‌های خود از آنها بهره‌جوئیم.

دولت دموکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی، که در ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) انتخابشد، بیانگر امیال اکثریت مردم بود. مبارزات توده‌ای از نظر کیفی به مرحله‌ای بالاتر رسید و زحمتکشان به اهمیت وحدت‌سازمانی سندیکایی و سیاسی وقوف یافتند. اینک نیز مقاومت خلق علیه کودتاجان به مرحله‌ای جدید رسیده است. لازمست که، با طرح خواسته‌های نیروهای دموکراتیک دربار آزادی بیدرتگ همه مین دوستان زندانی، فراخوانی نیروهای مسلح دولت از مناطق معدن‌خیز، انحلال «مناطق نظامی» و بازگشت به اصل استقلال‌دانشگاه، توده‌های مردم را برای نبرد بسیج کرد. نایدت‌ها به بازیافت آزادیها و حقوق دموکراتیک اکتفا ورزید، بلکه همچنین باید خواسته‌های «و. و. ب.» را به میان مردم برد و آنها را با شرایط کنونی مبارزه تطبیق داد. باید از اعتصاب، تظاهرات، سرپیچی و دیگر اشکال مقاومت خلق، برای تقویت بیکار علیه دشمن فاشیست و بسیج نیروهای خودی،

اینک از هرج و مرج سندیکایی و بلیشوی اجتماعی سخن میرود. در اینجا این واقعیت نادیده گرفته میشود که جنبش سندیکایی، پیروزه و رولتاریا، شکستهای فوق‌العاده از خود نشان داد و از خواسته‌های حقه خود سرافقظ و طرح آنها را بدورانی موکول کرد که نظامی قانونی و دموکراتیک مستقر گردد. باید یادآور شد که در نتیجه سیاست پانسر قدرت‌خرید دستمزدها ب میزان بیش از یک‌سوم کاهش یافت.

مقاومت قهرمانانه خلق

نیروهای خلق بیش از در هته به مقاومت قهرمانانه پرداختند. مناطق معدن‌خیز به منکسر مقاومت تبدیل شد. معدنیان «سنگلو ۴۰» و «کاتوی»، «کاراکوس»، «هواتونی» و «بولوکو» و «کولکوتیری» و غیره بار دیگر شهادت و بی‌شاهکی بیکارجویانه خویش را در مبارزات طبقه کارگر و مردم بولیوی بنبوت رسانیدند. در کارخانه‌های دیگر نیز (پیروزه در «ماتاکو»، «لاپاس» و «کاجابامبا») کارگران، بدون آنکه از انتقامجویی کودتاجان هراسی بدل راه دهند، به مقاومت فعال دست زدند. در مهم‌ترین سازمانهای سندیکایی، رهبری همچنان در دست نیروهای انقلابی باقی ماند. «جبهه اتحاد دموکراتیک خلق» توانست پایگاه خود را در کارخانه‌ها، میندیا، روستاها، محلات شهر، دانشگاهها و دبیرستانها حفظ کند.

علل شکست جنبش مقاومت علیه کودتا

شرایط مقاومت در برابر کودتا (۸ مرداد ۱۳۵۹ - نامه «مردم») با (کودتای ارتجاعی سرهنگ ناتوش - نامه «مردم») نوامبر ۱۹۷۹ فرق داشته. در آن هنگام فعالیت «و. و. ب.» (دکانون سندیکایی بولیوی - نامه «مردم»)، سندیکاهای رهبری حزب و حتی پارلمان قطع شد و هنوز امکان بود که از طریق رسانه‌های گروهی مبارزات کارگران را هماهنگ بپنشد. در ارتش نیز جریانات مقاومت در برابر ناتوش پدید آمد. در کودتای اخیر، نخستین

نظامیان جز اقدامات اضطرابی بی‌مثمر و ناپیوسته برنامه‌های دیگر ندارند. برای نمونه، گارسیا مسا مردم را فراخوانده است تا «برای بیرون رفت از بحران اقتصادی هر روز ناشسته بخورند!» شمار دیگر او آنست که «باید ۴۴ ساعت در روز کار کرد و روزهای تعطیل را از میان برداشت، تا بتوان کسری موازنه پرداخت‌ها را کاهش داد».

تصمیمات کنونی فرماندهی نیروهای مسلح نشان میدهد که دارنده کودتاگر بیج‌روی لیاقت حکومت را ندارد.

کودتای مرداد تنها بحران را دامن زد

آماج کودتای نظامی - فاشیستی ژوئیه (مرداد) نه تنها دولت وقت، بلکه همه خلق بود. مردم بولیوی در ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) بار دیگر برنامه‌های دموکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی را برگزیده بودند، که «جبهه اتحاد دموکراتیک خلق» نماینده آن بود.

گارسیا مسا تصمیم بحران عمیق اقتصادی (افزایش ورشکستگی، افزایش هنگفت هزینه‌های زندگی، کاهش تولید، بدهکاری مزمن کشور) را بکردن سه‌سال دموکراسی و کسان می‌اندازد، که در انتخابات ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) برنده شدند.

نظامیان این واقعیت را پنهان میدارند که درست رژیم دیکتاتوری پانسر بود که بحران اقتصادی را در سالهای گذشته دامن زد و از سیاستی خائنه بیروی میکرد.

فرون‌براین، فراموشی میشود که در سه‌سال نامیرده، طبقه‌های اقتصادی پانسر عمل میشد و پس از پانسر نیز نمایندگان طبقه او زمام امور را بعهده گرفتند. از آنجا که «جبهه اتحاد دموکراتیک خلق» حتی یک لحظه فرست حکومت را نیافت، نمیتوان آنرا مسئول این نابسامانی دانست. از سوی دیگر، این جبهه دارای برنامه‌ایست، که بیاری آن میتوان بی‌بحران کنونی چیره شد.

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

داریوش خ. به حزبیدرش ۵۰۰ ریال
سیامک ح. به حزب پدش ۵۰۰ ریال
الف سمنانی ۱۵۰۰۰ ریال
ن. ف. از مزد خیاطی ۲۰۰۰ ریال
حاجی محمد ۲۰۰۰ ریال
ناصر از خیابان گرگان ۲۰۰۰ ریال
دیلمه بیکار از تکاب ۱۰۰۰ ریال
لیا به حزبیدرش ۲۰۰۰ ریال
۱. خ. کارگر از محل ۲۰۰۰ ریال
۲. اضافه کار ۱۰۰۰۰ ریال
۳. س. ۲. ۱۰۰۰۰ ریال
۳. س. ۲. ۱۰۰۰۰ ریال

کمیسیون حقوق بشر دخالت آمریکا را در السالوادور محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر، که با شرکت ۴۳ کشور در ژنو تشکیل جلسه داده بود، کار خود را بپایان رسانید. اکثر نمایندگان شرکت کنند در این اجلاس خواستار قطع‌مداخله آمریکا در امور السالوادور و پایان دادن به عملیات تروریستی رژیم حاکم علیه مین‌دوستان السالوادور شدند.

در این اجلاس مداخله نظامی آمریکا و شرکت مستشاران نظامی آمریکا در عملیات سرکوبی علیه نیروهای ترقیخواه السالوادور محکوم گردید.

در این اجلاس مسئله اشغال سرزمینهای کشورهای عربی از جانب اسرائیل و عملیات تروریستی اسرائیل علیه اهالی سرزمینهای اشغال شده مطرح و محکوم شد.

شرکت‌کنندگان در این اجلاس، نقش حقوق بشر در شیلرو جمهوری آفریقای جنوبی را مورد نکوهش قرار دادند.

هیئت نمایندگان آمریکا علیه قلعه‌نامه‌ای که در محکومیت اقدامات اسرائیل، رژیم فاشیستی پینوشه و رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی صادر گردید، رای داد.

خبرگزاری تاس ادعای وزارت امور خارجه آمریکا را تکذیب میکند

در اطلاعیه خیرگزاری تاس آمده است که محافل مسئول اتحاد شوروی اعلام کردند که هیچگونه مستشار نظامی اتحاد شوروی در چاد وجود ندارد. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ادعا کرده است که اتحاد شوروی مستشار نظامی به چاد کرده است.

قرستاده است. در اطلاعیه تاس خاطر نشان شده است که انتشار اینگونه اخبار دروغ گواه آنستکه دولت کنونی آمریکا جعل و تحریف گستاخانه اخبار و رویدادها را به شیوه سیاست رسمی خود تبدیل کرده است.

روزنامه‌های جهان

اعزام کماندوهای آمریکائی به السالوادور

واحدهای برهسبزه‌های آمریکایی بعنوان مستشاران نظامی به السالوادور اعزام شدند. این واحدها در سرکوب نیروهای مین‌دوست در جنگ آمریکا علیه ویتنام و پنهان آدمکشان حرفه‌ای، در جهان مشهور شده‌اند. این واحدها در سرکوب جنبش انقلابی مردم السالوادور شرکت خواهند کرد. علاوه بر این، هم‌اکنون تفنگداران دریائی آمریکا در عملیات سرکوبی علیه مین‌دوستان در این کشور شرکت دارند. با وجود این، واشنگتن تلاش دارد که توجه افکار عمومی را از مداخله نظامی مستقیم آمریکا در السالوادور یا اخبار جعلی منحرف کند. وزارت امور خارجه آمریکا به رسانه‌های گروهی توصیه کرده است که درباره رویدادهای السالوادور و نقش آمریکا در این رویدادها اخبار و گزارشهای کثرتی منتشر کنند.

موافقت دولت ایتالیا با احداث لوله گاز از اتحاد شوروی به اروپای غربی

انریکو مانگا، وزیر بازرگانی ایتالیا، پس از دیدار و گفتگویی معاون وزارت بازرگانی خارجی اتحاد شوروی، اظهار داشت: دولت ایتالیا قصد دارد در باره پیاده کردن طرح لوله‌کشی گاز از سبیری به اروپای غربی با دولت اتحاد شوروی مذاکره نماید. دولت ایتالیا قبلاً موافقت خود را با اجرای این طرح اعلام کرده و نیز اظهار علاقه نموده است که در کار ساختن این لوله‌کشی شرکت کند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: متوجه بیزاری خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 469
16 March 1981

Price: West-Germany 0.80 DM

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران